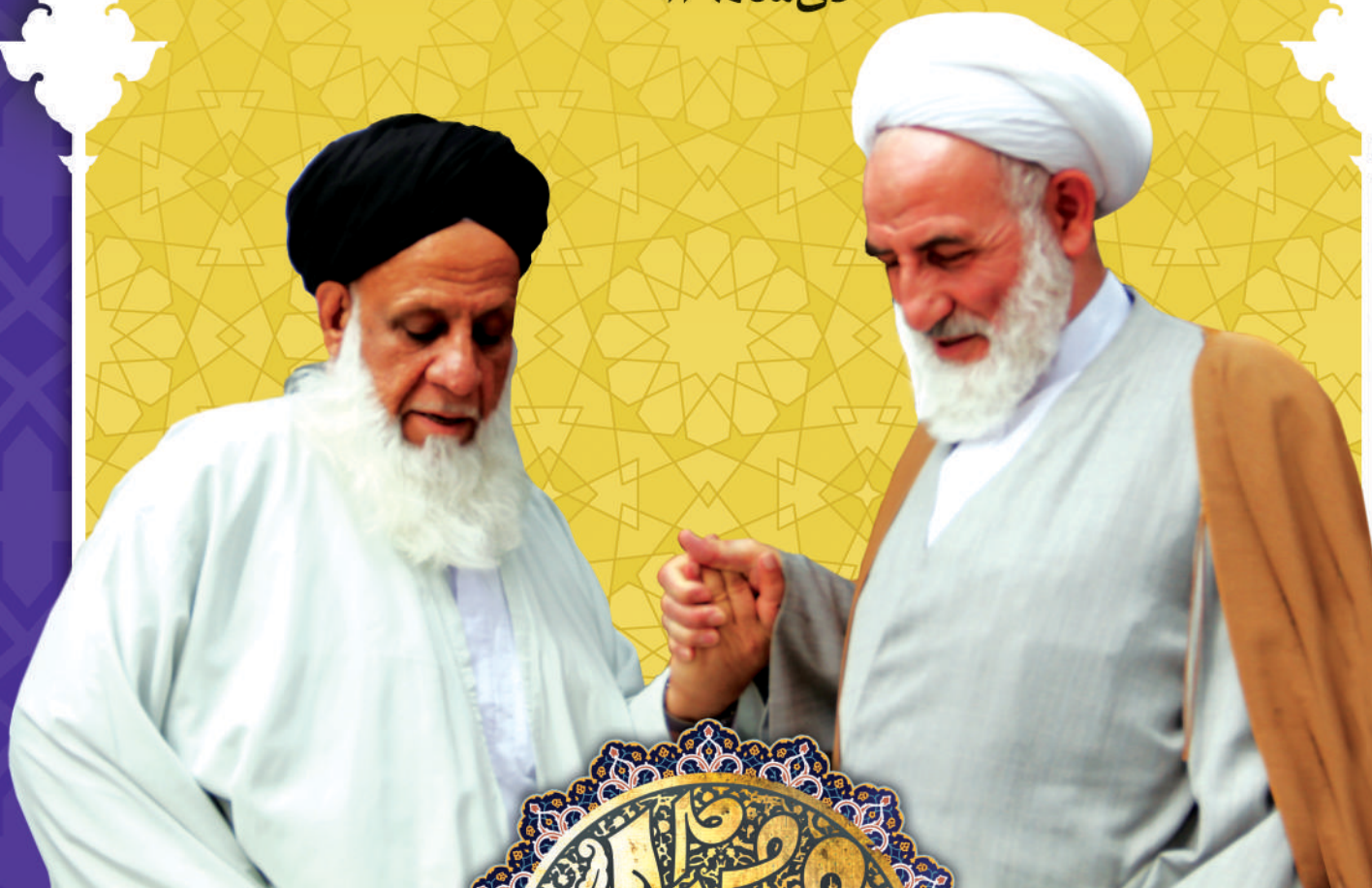


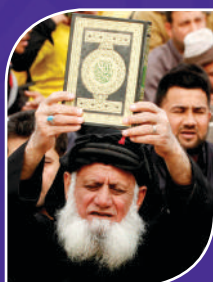
# برادری

ویژه نامه هفته وحدت  
دی ماه ۱۳۹۴



خاطراتی از  
برادرانی ناشناخته

صفحه ۱۲



حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی  
چهار اصل قوام بخش  
به وحدت همزیستانه و  
مناسباتی امت اسلامی

صفحه ۴



حجت الاسلام والمسلمین  
مهدی مسائلی  
از اسلام اموی تا  
اسلام امریکایی

صفحه ۶



## این تشیع به درد شیعه نمی خورد!



« **مهمترین مسئله امروز وحدت است** »  
مسلمانها باید با هر عامل مخالف وحدت و ضدّ وحدت مقابله بکنند؛ این یک تکلیف بزرگ برای همه ی ما است؛ هم شیعه باید این را قبول کند، هم سنی باید قبول کند، هم شعبه های گوناگونی که در میان شیعیان و در میان سنی ها وجود دارد این را باید بپذیرند.  
وحدت به معنای تکیه ی بر مشترکات است. ما مشترکات زیادی داریم؛ میان مسلمانان، مشترکات بیش از موارد اختلافی است؛ روی مشترکات باید تکیه کنند. تکلیف عمده هم در این مورد بر دوش نخبانان است؛ چه نخبان سیاسی، چه نخبان علمی و چه نخبان دینی. علمای دنیای اسلام مردم را از تشدید اختلافات فرقه ای و مذهبی برحذر بدارند. دانشمندان دانشگاهی، دانشجویان را توجیه کنند و به آنها تفهیم کنند که امروز مهم ترین مسئله در دنیای اسلام وحدت است.  
۹۲/۱۰/۲۹

### « هر نوع اختلاف افکنی حرام شرعی است »

تقویت روح اخوت و همدلی، درس بزرگ حج است. در اینجا حتی جدال و درشت گویی با دیگران ممنوع است. پوشش یکسان و اعمال یکسان و حرکات یکسان و رفتار مهربان در اینجا به معنی برابری و برادری همه ی آن کسانی است که به این کانون توحید معتقد و دل بسته اند. این ردّ صریح اسلام بر هر فکر و عقیده و دعوتی است که گروهی از مسلمانان و معتقدان به کعبه و توحید را از دایره ی اسلام بیرون بدارد. عناصر تکفیری که امروز باز بچه ی سیاست صهیونیست های غدار و حامیان غربی آنان شده و دست به جنایتهای سهمگین میزنند و خون مسلمانان و بی گناهان را میریزند، و کسانی از مدعیان دینداری و ملیتین به لباس روحانیت که در آتش اختلافات شیعه و سنی و امثال آن میدمند، بدانند که نفس مراسم حج، باطل کننده ی مدعی آنان است. شگفتا! کسانی که مراسم برات از مشرکان را که ریشه در عمل پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم دارد، جدال ممنوع قلمداد میکنند، خود از مؤثرترین دست اندرکاران ایجاد منازعه های خونین میان مسلمانانند. اینجانب همچون بسیاری از علمای اسلام و دلسوزان امت اسلامی بار دیگر اعلام میکنم که هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلاف میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدّسات هر یک از گروه های مسلمان یا تکفیر یکی از مذاهب اسلامی، خدمت به اردوگاه کفر و شرک و خیانت به اسلام و حرام شرعی است.  
۹۲/۰۷/۲۲

« **این تشیع به درد شیعه نمی خورد!** »  
اختلاف مذاهب اسلامی، اختلاف شیعه و سنی در حدّ اختلاف عقیدتی - یکی یک عقیده ای دارد، دیگری یک عقیده ی دیگری دارد؛ اینها باهم اختلاف دارند - مشکلی به وجود نمی آورد؛

این را وسیله ی خوبی پیدا کرده اند برای ایجاد نقار بین مسلمانان. خوب بله، ما افتخارمان به این است که شیعه ی علوی هستیم، ما افتخارمان به این است که معرفت به مقام ولایت پیدا کرده ایم؛ امام بزرگوار ما پرچم ولایت امیرالمؤمنین را سر دست گرفت، لکن این وسیله ای شد برای اینکه دنیای اسلام - شیعه و غیرشیعه - احساس افتخار کنند به اسلامیت؛ حالا کاری بکنیم که این احساس افتخار، این احساس علاقه مندی دنیای اسلام نسبت به جامعه ی شیعه و افتخار شیعه، تبدیل بشود به دشمنی و بغض و کینه؟ این همان چیزی است که دشمن میخواهد؛ نباید بگذاریم. این یک نکته ی بسیار مهم است؛ این را مراقب باشید؛ اینها را شما بیش از دیگران باید مراقب باشید. کاری نکنیم که دشمن را در مقصودی که دارد، موفق بکند؛ شمشیر دشمن را تیز بکند. بزرگان ما، علمای ما، مراجع ما، شخصیت های بزرگ دنیای اسلام همیشه ما را توصیه کردند به همین معنا.  
۹۳/۰۱/۳۱

« **تکفیر برای دشمنان یک مژده است** »  
همه ی تلاشهای دشمن متوجه این میشود که امت اسلامی را از یاد فلسطین غافل کند. چه جور؟ با ایجاد اختلافات، با جنگهای داخلی، با ترویج افراطگری انحرافی به نام اسلام و به نام دین و شریعت؛ عده ای عاقله ی مسلمانان را، اکثریت مسلمانان را تکفیر کنند. وجود این جریانهای تکفیری که در دنیای اسلام به وجود آمدند، برای استکبار، برای دشمنان جهان اسلام یک مژده است... چه کسی میتواند شک کند که وجود این جریانها و پشتیبانی این جریانها و تمویل این جریانها و دادن سلاح به اینها کار استکبار است و کار دستگاه های امنیتی خبیث دولتهای استکباری است؟  
۹۲/۱۰/۲۹

را فرامیگرفت. نمیخواهند این اتفاق بیفتد. رژیم صهیونیستی را در این منطقه کاشتند برای اینکه ایجاد اختلاف کنند؛ برای اینکه کشورهای منطقه را مشغول کنند به درون خود.  
۹۴/۰۴/۲۷

### « بارها تکرار کرده ام، بعضی گوش نمی کنند! »

باید مواظب بود، باید مراقب بود. بارها ما گفته ایم، برای آدمهای آگاه و مطلع از اوضاع جهان و جهان اسلام هم این مثل روز روشن است که امروز اختلافات مذهبی در میان مسلمانان، یک وسیله و برگه ای است در دست دشمنان ما. یک شمشیر در دست دشمنان ما، همین اختلافات مذهبی است. علنی کردن اختلافات، صریح کردن مخالفتها، اعتقادی، به زبان آوردن مطالبی که کینه ها را برمی افروزد، یکی از وسایلی است که دشمن ما از آن بیشترین استفاده را دارد میکند. حالا [اگر] ما جوری عمل بکنیم که این مقصود دشمن برآورده بشود، این [بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا] است. در جلسات نباید کینه ورزی های مذهبی را زیاد کرد؛ این را چقدر باید تکرار کرد؟ بارها تکرار کرده ایم؛ بعضی حاضر نیستند [گوش کنند]. شما اگر بخواهید آن کسی را که موافق مذهب شما نیست و عقیده ی حقّ شما را قبول ندارد هدایت کنید، چه کار میکنید؟ اول شروع میکنید به مقدّسات او بدگویی کردن و دشنام دادن؟ اینکه بگویی او را از شما دور خواهد کرد و امید هدایت او را به صفر خواهد رساند. راه این کار این نیست. امروز شما می بینید، دنیای تشیع مورد مهاجمه است؛ کسانی که اسم شیعه و سنی به گوششان نخورده بوده است - ایادی استکبار - حالا در تبلیغات رسمی شان مدام تکیه میکنند که بله، ایران شیعه، گروه شیعه در عراق، گروه شیعه در فلان کشور! مدام روی مسئله ی شیعه و سنی تکیه میکنند؛ چرا؟ چون

منافع قدرتهای بزرگ در این تفرقه است  
اسلام این همه بر وحدت و یکپارچگی مسلمین و برادری مسلمانان تأکید فرموده است؛ حتی در اعتصام به حبل الله، میتوان تک تک به حبل الله اعتصام پیدا کرد. [اما] این را اسلام توصیه نمیکند؛ و اعتصموا بحبل الله جمیعاً؛ همه با هم به حبل الهی تمسک کنید، با هم باشید. با این همه سفارش و این همه تأکید، امروز ما مسلمانها متأسفانه به این دستور اسلام عمل نمیکنیم؛ نتیجه اش هم همین است که ملاحظه میکنید. من میخواهم از آحاد مسلمین، مخصوصاً از علما، روشنفکران، مسئولان دولتها، سیاستمداران، زبدهگان، نخبانان در همه ی کشورها درخواست کنم که دست خائن دشمنان امت اسلامی را در این تفرقه ببینند و مشاهده کنند. این تفرقه طبیعی نیست، این تفرقه تحمیلی است، این تفرقه تلقینی است. مسلمانان به طور طبیعی در کنار هم میتوانند زندگی کنند و تجربه ها نشان داده است که آن وقتی که وسوسه ی دشمن، ددمه ی دشمن، خباثت دشمن وارد میدان نشده است، با هم زندگی کرده اند. این را ما در کشور خودمان دیده ایم، در عراق دیده ایم، در کشورهای دیگر اسلامی [هم] مشاهده کرده ایم. این تفرقه را تزریق میکنند به دنیای اسلام؛ چرا؟ برای اینکه منافع قدرتهای بزرگ در این تفرقه است. نمیخواهند امت اسلامی یکپارچه باشد؛ نمیخواهند این قدرت عظیم، در افق قدرتهای جهانی سر بلند کند و خودش را نشان بدهد؛ نمیخواهند. اگر امت اسلامی یکپارچه بود، اگر بر روی مشترکات خود تکیه میکرد، در سپهر سیاست جهانی بدون تردید یک قدرت منحصر به فرد میشد با این جمعیت عظیم، با این کشورها در مناطق حسّاس عالم، با این منابع و ذخایر زیرزمینی، با این ثروت طبیعی و با این ثروت نیروی انسانی؛ اگر ما متحد میشدیم، یک چنین پدیده ای دنیا

## « وحدت به معنای یکی شدن عقاید نیست »

مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - هر فرقه ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛

میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: «ولاتنازعا فتشولوا». تنازع نباشد، اختلاف نباشد.  
۹۱/۰۵/۰۹

## « اهالی غزه ناصبی اند؟! پناه بر خدا! »

یک وقت دیدیم که ویروس دارد تکثیر مثل می کند؛ دائم می روند پیش بعضی از بزرگان، بعضی از علماء، بعضی از محترمین، که آقا! شما دارید به کی کمک می کنید؛ اهل غزه ناصبی اند! ناصبی یعنی دشمن اهل بیت. یک عده هم باور کردند! دیدیم پیغام و پَسغام که آقا، می گویند این ها ناصبی اند. گفتیم پناه بر خدا، لعنت خدا بر شیطان رجیم خبیث. در غزه مسجد الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب هست، مسجد الامام الحسین هست، چطور این ها ناصبی اند؟! بله، سنی اند؛ اما ناصبی؟!  
۹۱/۰۵/۰۹

## « نه شیعه آند نه سنی و نه مسلمان! »

امروز شما ببینید یکی از نقاطی که دشمنان ما بر روی آن به طور کامل تکیه میکنند، برافروختن اختلافات مذهبی است؛ شیعه و سنی، آدمهائی که نه به شیعه عقیده دارند، نه به سنی عقیده دارند، نه اصل اسلام را قبول دارند، طبق میل سرویسهای جاسوسی آمریکا و اسرائیل می آیند پشت بلندگوها می ایستند، از توسعه ی تشیع اظهار نگرانی میکنند! شما چه میفهمید تشیع چیست؟! چه میفهمید تسنن چیست؟! شما به اصل دین اعتقادی ندارید. امروز سیاست استکبار و سیاست سرویسهای جاسوسی این است که ماها را از هم بترسانند؛ شیعه را از سنی، سنی را از شیعه؛ اختلاف ایجاد کنند. راه غلبه ی بر دشمنان، اندیشیدن، فکر کردن، متحد شدن، دلها را به هم نزدیک کردن، دستها را در هم گره کردن است  
۹۱/۰۳/۲۹

## « دنبال شیعی کردن سایر مسلمین نیستیم »

ایران به دنبال ایرانی کردن اعراب یا شیعی کردن سایر مسلمین نیست؛ ایران به دنبال دفاع از قرآن و سنت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) و احیاء امت اسلامی است. برای انقلاب اسلامی، کمک به مجاهدان اهل سنت سازمانهای حماس و جهاد و مجاهدان شیعی حزب الله و امل، به یک اندازه واجب شرعی است و احساس تکلیف میکند. ملت و حکومت ایران با صدای بلند و قاطع اعلام میکنند که به قیام ملتها (و نه به ترور)، به وحدت اسلامی (نه غلبه و تضاد مذاهب)، به برادری مسلمین (نه به برتری قومی و نژادی)، به جهاد اسلامی (نه خشونت علیه بی گناهان)، ان شاءالله معتقد و ملتزم است.  
۹۰/۱۱/۱۶

نه، اشتباه است. اختلاف افکنی یا تحریک عصبیتهای اختلاف افکن، مصلحت نیست؛ نه امروز مصلحت است، نه زمان امام صادق (علیه السلام) مصلحت بود؛ آنها هم جلویش را گرفتند. بعضی از افراد سطحی نگر به این مسئله توجه ندارند  
۹۲/۰۲/۱۱

## « مسئله فلسطین به حاشیه می رود »

ما هر شکافی بین مسلمانان را رد میکنیم؛ این درست نقطه ی مقابل عوامل دشمنان است که از هر پدیده ی کوچکی برای ایجاد اختلاف بین مسلمانان استفاده میکنند. اگر شما نگاه کنید، می بینید امروز سیاست دشمنان بیداری اسلامی در کشورهای شمال آفریقا هم، ایجاد اختلاف است. سیاست استکبار همین است؛ اینها را به جان هم بیندازند، اینها را در مقابل هم قرار دهند. علاج این بیماری، احساس اتحاد بین مسلمین است؛ ملت های مسلمان باید با هم متحد شوند. در داخل هر کشور، گروه های مختلف، مذاهب مختلف، جناح های مختلف، باید دست به دست هم بدهند؛ اختلافات فکری و عقیدتی و سیاسی و سلیقه های و جناحی را بر حرکت های اساسی خودشان حاکم نکنند، تا بتوانند در مقابل دشمن بایستند؛ امروز راه، فقط این است. با انواع حیل دارند تلاش میکنند ایجاد اختلاف کنند؛ می بینید شما. وقتی مسلمانها سرشان به اختلاف با یکدیگر مشغول شد، مسئله ی فلسطین در حاشیه قرار میگیرد؛ ایستادگی در مقابل زیاده خواهی آمریکا و غرب، در حاشیه قرار میگیرد؛ آنها امکان پیدا میکنند که نقشه های خودشان را عمل کنند.  
۹۱/۱۱/۱۰

## « غدیر وحدت آفرین است »

اگر ما مردم شیعه و مدعی پیروی از امیرالمؤمنین حقیقت غدیر را درست تبیین کنیم، هم خودمان درک کنیم، هم به دیگران معرفی کنیم، خود مسئله ی غدیر میتواند وحدت آفرین باشد. بحث اعتقاد قلبی و اتصال یک نحله ی دینی و مذهبی به یک اصل اعتقادی، یک بحث است؛ شناخت مسئله، بحث دیگری است.  
۹۱/۰۸/۱۰

## « برای تجزیه کشورهای اسلامی تلاش میکنیم »

نقشه های خائنه برای اختلاف افکنی میان مسلمانان و ایجاد سوء ظن میان کشورهای بیخاسته با جمهوری اسلامی ایران، مسأله ی فلسطین و کوشش برای منزوی کردن مبارزان و خاموش کردن جهاد فلسطینی، تبلیغات اسلام ستیزانه ی دولت های غربی و حمایت آنان از اهانت کنندگان به مقام قدسی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، زمینه سازی برای جنگ های داخلی و تجزیه ی برخی از کشورهای مسلمان، ترساندن دولت ها و ملت های انقلابی از معارضة با سلطه خواهان غربی و ترویج این توهم که آینده ی آنان در گرو تسلیم در برابر آن متجاوزان است ... و مسائل مهم و حیاتی دیگری از این قبیل، در شمار قضایای مهمی است که در فرصت حج و در سایه ی همدلی و همگرایی شما حج گزاران باید مورد تأمل و تعمق قرار گیرد.  
۹۱/۰۸/۰۴



فوری است. ببینید از جنگ و اختلاف چه مفاسدی به وجود می آید؛ ببینید در دنیای اسلام، تروریسم کور به بهانه ی اختلافات مذهبی، چه فجایی به راه می اندازد؛ ببینید با این اختلافاتی که بین ما مسلمانان به وجود آوردند، رژیم صهیونیستی غاصب چه نفس راحتی میکشد. هر وقتی کشورهای اسلامی و ملت های اسلامی بخواهند به هم نزدیک شوند، یک توطئه های درست میکنند، یک حادثه های به وجود می آورند. اینها باید چشم ما را باز کنند، اینها باید ملت های مسلمان را بیدار کنند، اینها باید چهره ی رؤسا و حاکمان باخلاص را از حاکمان دستنشانده ی دشمنان ممتاز کنند. اینجا صحنه ی امتحان است. امروز هر حنجره های که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره ی الهی است، ناطق من الله است. هر حنجره های و زبانی که ملت های مسلمان را، مذاهب اسلامی را، طوایف گوناگون اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند و عصبیتها را علیه یکدیگر تحریک کند، ناطق من الشیطان است... کسانی که امروز دنیای اسلام را از اتحاد و یکپارچگی دور میکنند - در حالی که احتیاج به یکپارچگی، امروز بیشتر از همیشه است - اینها به نفع شیاطین کار میکنند، به نفع ابلیسها کار میکنند.  
۹۲/۰۳/۱۸

## « راه عشق به اهل بیت این نیست »

شما {مداحن} از حنجره استفاده میکنید، که نعمت خدا است؛ از لحن و آهنگ استفاده میکنید، که نعمت خدا است؛ از شعر استفاده میکنید، که قریحه اش نعمت خداداد الهی است. این نعمتها در اختیار شما است؛ اینها را در خدمت چه قرار میدهید؟ در خدمت معرفت افزائی. اگر در خدمت اختلاف افکنی واقع شد، اگر در خدمت تحریک عصبیتهائی قرار گرفت که امروز به خاطر این عصبیتهای متعصبین لجاج در نقاطی از دنیا بیست تا، سی تا سر میبُردند، این استفاده، استفاده ی بدی است؛ این را خیلی مراقب باشید. شما اینجا یک شعری بخوانید، امروز هم که ویدئو و اینترنت و وسائل گوناگون انتقال پیام وجود دارد؛ عکس و تقصیلات آن برود در فلان نقطه، چهار تا آدم جاهل متعصب را تحریک کند، بیندازد به جان یک مشت زن و بچه ی بی گناه، خون اینها را بریزد. مراقب این چیزها باشید. اینکه بنده این همه اصرار میکنم، تأکید میکنم برای اینکه اختلافات مذهبی و طایفه ای را کمرنگ کنید، برای این است. کسی خیال نکند که اگر ما بخواهیم نعمت این عشقی که دلهای مردم ما را بحمدالله پر کرده و مالا مال از محبت اهل بیت است، شکرگزاری کنیم و این عواطف را تحریک کنیم، راهش آن است؛

مشکل آن وقتی است که این اختلاف عقیدتی به اختلاف روحی، به اختلاف رفتاری، به درگیری، به ستیزه گری، به دشمنی بینجامد ؛ دشمنان دنیای اسلام دنبال این فکرند، دنبال این نقشه اند. خوب فهمیدند که اگر در دنیای اسلام مذاهب اسلامی گریبان یکدیگر را بگیرند و کشمکش با همدیگر را شروع کنند، رژیم غاصب صهیونیست نفس راحتی خواهد کشید؛ این را خوب فهمیدند، درست فهمیدند؛ لذا از یک طرف گروه های تکفیری را به راه می اندازند که نه فقط شیعه را تکفیر کنند، بلکه بسیاری از فرق اهل سنت را هم تکفیر کنند؛ از آن طرف هم یک عده مزدور را به راه بیندازند که برای این آتش هیمه فراهم کنند، بنزین روی آتش بریزند؛ که می بینید، میشنوید، یا خبر دارید. وسائل ارتباط جمعی و رسانه در اختیار اینها میگذارد؛ در کجا؟ در آمریکا! در کجا؟ در لندن! آن تشیعی که از لندن و از آمریکا خواهد برای دنیا پخش بشود، آن تشیع به درد شیعه نمیخورد. رهبران دینی تشیع و بخصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام بزرگوار و دیگران، این همه تأکید میکنند بر حفظ اتحاد امت اسلامی و برادری مسلمانان با یکدیگر، آن وقت یک عده ای - کاسه ی داغ تر از آش - دنبال آتش افروزی، دنبال ایجاد درگیری و اختلاف هستند. این همان چیزی است که دشمن میخواهد؛ این همان چیزی است که دشمنان دنیای اسلام که نه شیعه اند، نه سنی اند، نه این را دوست دارند، نه آن را دوست دارند، دنبالش هستند.  
۹۲/۰۶/۲۰

## « مزدوران شیعه ، مزدوران سنی! »

یکی از راهبردهای اساسی دشمنان اسلام و بخصوص دشمنان نظام اسلامی در منطقه، راهبرد ایجاد اختلاف فرقه ای و مذهبی و مسئله ی شیعه و سنی است؛ این را توجه داشته باشید. و دو دسته عامل و مزدور دشمن در این زمینه شدند: یک دسته از سنی ها، یک دسته از شیعه ها؛ یک دسته آن تکفیریهای منحرف از حقیقت دین، یک دسته هم از کسانی که برای دشمن کار میکنند، زیر اسم شیعه و به نام شیعه، تحریک احساسات دیگران را میکنند، و دشمنی ها را توجیه میکنند و آتش فتنه را برافروخته میکنند. هر مجموعه ای، هر دستگاهی، هر دولتی که فریب این توطئه ی بزرگ را بخورد و غرق بشود در این قضیه، و هر مجموعه ای که اشتباه بکند، قطعاً ضربه خواهد زد به حرکت اسلامی و به نظام اسلامی، بخصوص به کشور ما ضربه خواهد خورد. من اصرار دارم بر اینکه بزرگان علماء، چه شیعه، چه سنی، چه در ایران، چه در مناطق دیگر، توجه بکنند که اختلافات بین فرقه های اسلامی نباید موجب بشود که ما یک جبهه ی جدیدی در مقابل خودمان باز کنیم و از دشمن اصلی که دشمن اصل اسلام و دشمن استقلال و دشمن بهره روزی مردم منطقه است، غافل بمانیم.  
۹۲/۰۶/۱۶

## « ناطق من الله ، ناطق من الشیطان! »

امروز اتحاد و اتفاق بین مسلمانان، یک فریضه ی



حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی

## چهار اصل قوام بخش به وحدت همزیستانه و مناسباتی امت اسلامی



باشد.

### « مهمترین متعلقات تعافل که باید برای تحقق وحدت مناسباتی رعایت کرد

تعافل نسبت به نظام سیاسی برخاسته از مذهب و زبان دومین و سومین متعلق تعافل هستند. زیرا هر گروهی زبان خاصی دارند و اینجا بحث امت اسلامی است و بحث شیعه و سنی نیست، امت اسلامی نباید روی یک زبان تاکید داشته باشد و مثلاً فقط روی زبان عربی تاکید داشته باشد یا زبان دیگر. امت اسلامی فقط عرب نیست، عجم هم هست. زبان‌های رایج در درون امت ظرفیت‌های همه امت است.

### « در اسلام به هیچ وجه تعصب مذهبی وجود ندارد

در اسلام به هیچ وجه تعصب مذهبی وجود ندارد. تعصب مذهبی یک فرآورده تاریخی است برای صفات مذموم گروه‌ها که تبدیل به لایه‌هایی دینی شده است و در مجموعه‌های مختلف رسوخ کرده است که علیه هم باشند. حب مذهب وجود دارد یعنی اگر شما مذهبی دارید که آن را حق می‌دانید نسبت به آن حب دارید اما باید نسبت به باقی عقاید احترام وجود داشته باشد. حب به عقیده یک چیز است و تعصب مذهبی که دیگری را نفی کرده و تا سرحد تفکیر، نفی، حساب نکردن و مبارزه کردن با دیگری به پیش رفتن چیز دیگری است.

### « تعصب مذهبی عامل نگون بختی، عقب ماندگی، شکست خوردن و از علم و پیشرفت به دور ماندن است

در اسلام تعصب مذهبی نداریم. در روایات شیعه آمده است که اگر می‌خواهید تعصب داشته باشید این تعصب را برای وفای به عهد، صفت‌های خوب، اجتماع و کنار هم بودن داشته باشید. بنابراین تعصبی که در اسلام است این که ما نسبت به اخلاق تعصب داشته باشیم. اخلاق هم که دیگری را به حساب آوردن و در کانون توجه خود قرار دادن است. در نهج البلاغه به تعصب نسبت به اخلاق تاکید شده است. تعصب مذهبی عامل نگون بختی، عقب‌ماندگی، شکست خوردن و از علم و پیشرفت به دور ماندن است مادامی که تعصب مذهبی بین شیعه و سنی یا بخش‌هایی از اهل شیعه و اهل سنت وجود دارد نمی‌توانیم به مرحله شکل دهی به امت اسلامی برسیم.

### « دوی درد جامعه اسلامی رجوع به قرآن و مشکلات ما عدم رجوع به قرآن است

دوی درد جامعه اسلامی رجوع به قرآن است و اتفاقاً مشکل همه ما نیز عدم رجوع به قرآن است در حالیکه قرآن اصول یک زندگی جمعی کلان امت محور را کاملاً مشخص و معین کرده و در اختیار ما قرار داده است.

اسلامی گردند و زندگی مشترکی داشته باشند. این درست است و معنای مقصود از وحدت را تشکیل می‌دهد.

### « تفاهم، تعافل، تعامل و تعاطف چهار اصل اساسی در قوام بخشی به وحدت همزیستانه و مناسباتی امت

اگر پای مناسبات و وحدت مناسبات به میان آمد، چند عامل باید فعال شود که دست کم چهار اصل را باید به عنوان اصول قوام بخش آن در نظر گرفت که این اصول عبارتند از: تفاهم، تعافل، تعامل و تعاطف.

اگر امت اسلامی مناسبات واحدی بر روابط یکپارچه داشتند باید در چهار امر با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ مثبت و فعالی باشند که این چهار امر عبارتند از اینکه تفاهم بکنند، تعافل بکنند، تعامل بکنند و تعاطف (اخلاق ورزی و محبت ورزی نسبت به هم) داشته باشند.

### « صلاح مردم در تعایش (همزیستی) مسالمت آمیز است که ثلث آن، تعافل است

از امام باقر علیه السلام وارد شده است که «صلاح شأن الناس التعایش والتعاشر مء مکيال: ثلثاه فطن، وثلث تعافل.» بر اساس این روایت صلاح مردم در تعایش است که ثلث آن، تعافل است. بنابراین تعافل اتباع هر مذهب نسبت به اختصاصات مذهب دیگری ضروری است.

تعافل متعلقاتی دارد که همه این‌ها را باید در وحدت مناسبات رعایت کرد. متعلق اول؛ تعافل نسبت به اختصاصات و مناسک مذهبی یکدیگر است. به این معنا که اگر شیعه مقدسات و سلوکیاتی دارد، اهل سنت نکوید چرا مثلاً حسینیه دارید، چرا نماز را اینگونه می‌خوانید و یا اگر اهل سنت هم شکل خاصی نماز می‌خواند یا اذان می‌گوید و عبادات خود را انجام می‌دهد یا نماز تراویح می‌خواند، شیعه باید تعافل کرده و گیر ندهد زیرا مذهب سنی این است. تعافل از آداب و مناسک و مقدسات دیگر نیز باید

مشترکات را صرفاً قبول کنیم و افتراقات را در هر مذهب لغو کنیم. این هم اشتباه است زیرا از مذهب نمی‌شود دست کشید و شخصی که مذهبی را پذیرفته است باید به مذهب خود پایبند باشد، یعنی شیعه به شیعه‌گری خود و سنی هم به سنی‌گری خود پایبند باشد.

### « فرض صفت دینی برای وحدت که شیعه و سنی دین واحدی داشته باشند، نادرست و تحصیل حاصل است

فرض دوم برای تعیین صفت وحدت، صفت دینی است. صفت دینی به این معناست که شیعه و سنی را دعوت کنیم دین واحدی داشته باشند. این هم نادرست است، زیرا امت اسلامی دین واحد دارد. این دعوت، تحصیل حاصل است در صورتی که وحدت دینی مقصود نیست. وحدت دینی یک امر محقق است که وجود دارد و همه یک دین دارند.

وحدت اجتماعی، سومین فرض برای صفت وحدت است. وحدت اجتماعی چند تفسیر دارد باید دید کدام درست است؟ یکی وحدت قومی و ملی است که این قطعاً مراد نیست، زیرا امت اسلامی یک قوم و یک ملت نیست. دیگری وحدت در ساختار سیاسی است که این هم مقصود نیست زیرا کشورهای مختلفی درون امت اسلامی وجود دارند لذا اگر بنا باشد همه را به یکی ساختار دعوت کنیم اختلاف عمیق‌تر می‌شود.

### « بهترین و پسندیده‌ترین صفت برای وحدت اسلامی وحدت مناسباتی یا تعایشی (وحدت همزیستانه) است

گونه سوم از وحدت اجتماعی وحدت مناسباتی است و به تعبیر دیگر وحدت تعایشی (وحدت همزیستانه) است، یعنی این که شیعه و سنی دارای مناسبات واحدی به عنوان امت

وحدت موصوفی است که نیازمند صفتی است تا معنای آن آشکار شود. وقتی گفته می‌شود وحدت ملی، وحدت پولی، وحدت اراضی و... هر کدام با صفتی معنا می‌یابد. بر این اساس، مقصود از وحدت شیعه و سنی با توجه به صفت آن بدست می‌آید. اما این که صفت وحدت چیست چند فرض وجود دارد که فرض اول برای آن صفت، مذهبی است.

### « تعریف از وحدت به معنای رو آوردن به یک مذهب واحد نه معقول است نه مشروع

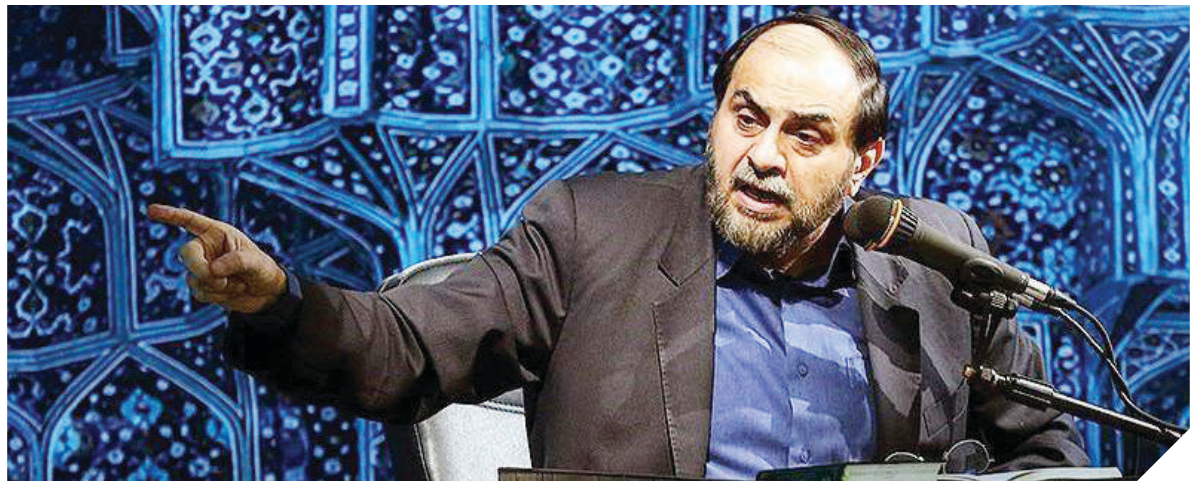
وحدت مذهبی چند گونه دارد. گونه اول: رو آوردن به یک مذهب است یعنی این که امت اسلامی را دعوت کنیم تا مذهب واحدی داشته باشند. طبیعی و روشن است که این معنا را نمی‌شود برای وحدت بین شیعه و سنی در نظر گرفت زیرا نه معقول است و نه مشروع؛ چرا که شیعه و سنی هر یک مذهبی دارند، بنابراین چنین دعوتی اگر مجال یابد هر کدام دیگری را به مذهب خود دعوت می‌کند و این خود اساس اختلاف بسیار بدی را پایه ریزی می‌کند. ضمن این که ایجاد مذهب جدید و دست کشیدن از مذهب متبوع مشروعیت ندارد.

### « منظور از وحدت اسلامی ایجاد یک مذهب جدید و دست کشیدن از مذاهب خود نیست

گونه دوم وحدت مذهبی ایجاد یک مذهب جدید است، در این مورد مقصود آن است که هر کدام از اتباع مذاهب، مذهب خود را کنار بگذارند و همگی مذهب واحدی شکل دهند. این هم نباید مقصود باشد چرا که نه معقول است و نه مشروع و نه ممکن. یکی از انحاء ایجاد مذهب واحد آن است که

استاد حسن رحیم پور ازغدی

## در منطق اهل بیت «ع»، غلات هم مثل نواصب کافرند!



متعهد به وحدت اسلامی باشند. مدرسی را به اسم تشیع دایر کرده اند که محصلین آن به امام خمینی «ره» فحش می دهند که چرا بحث وحدت شیعه و سنی را مطرح کرده است! می گویند ما حکومت اسلامی در زمان غیبت نداریم و باید صبر کنیم تا حضرت خودشان تشریف بیاورند! وظیفه ما دفاع از اهل بیت «ع» است بدین معنا که با کشتن هرکسی که محب اهل بیت «ع» نیست، بهشتی شویم! یعنی محبت اهل بیت «ع» مساوی است با کشتن غیرمحبان اهل بیت «ع»! همانطور که تکفیری های آن طرف می گویند کشتن یک شیعه ما را بهشتی می کند. سر منشا هردوی اینها یکی است.

امام تعبیر ولایتی های بی دین را درباره اینان به کار برد. یعنی کسانی که دم از ولایت اهل بیت «ع» می زنند ولی دین ندارند! همان کسانی که زمان شاه به اسم «تقیه» یک کلمه علیه شاه حرف نمی زدند. در حالی که تقیه برای حفظ دین خداست، نه حفظ من و شما. تقیه برای مجاهدین است نه قاعدین. این قعود بود نه تقیه. همین آخوندهای متحجر در جنگ ایران و عراق می گفتند که هرکس در جبهه کشته شود شهید نیست! این نوع از آخوندها در گذشته بوده اند و امروز هم هستند. اینها می خواهند کسانی را تربیت کنند که فقط یک دشمن داشته باشند و آن دشمن «سُنی» باشد!

مسجد محل وحدت و جماعت است. امروز مسجد ضرار، مسجدی است که به جنگ مذهبی، قومی، نژادی یا زبانی دامن بزنند، مسجدی که ادبیات تکفیر علیه مذاهب اسلامی را ترویج کند، مسجدی که به جای دشمن اصلی یعنی آمریکا و اسرائیل، دشمن اصلی را در داخل مسلمانان معرفی کند.

شبکه های متعدد ماهواره ای تفرقه افکن که معلوم است از کجا تامین می شوند، طوری با هم صحبت می کنند که انگار از دو دین متفاوت اند نه یک دین واحد! دوستانی داریم که صد رحمت به دشمن! کسانی که به جای «اصلاح ذات البین» به «افساد ذات البین» می پردازند. اشتراکات را محو می کنند و اختلافات را پررنگ می کنند.

از نظر شیعه ولایت جزو اصول دین است. چون آن را ادامه و جزو نبوت می داند. اما آن ولایتی که در روایات ما آمده که عدم اعتقاد به آن سبب کفر می شود، این سطح از اعتقاد ولایتی نیست. اگر کسی قائل به امامت کسانی باشد که در پی دستورات صریح خداوند از امامت آنها نهی شده است، کافر است. علامه مجلسی می فرماید که اعتقاد به ولایت اهل بیت «ع» شرط مسلمانی نیست. بله با تعریف ولایتی شرط مسلمانی اعتقاد به ولایت اهل بیت «ع» هست.

ولایت مراتب و سطوح مختلف دارد. اینکه در بعضی روایات ما آمده که بعد از پیامبر «ع» همه مرتد شدند مگر عده ای قلیل، به معنای کفر و ارتداد فقهی نیست. به معنای کفر و ارتداد از سطوح بالای ولایت است. اگر این معنا را در نظر بگیریم و سطوح بالای ولایت را ملاک قرار دهیم، خیلی از شیعیان هم کافرند چون به آن مراتب نرسیده اند.

در بحارالانوار آمده است که امام صادق فرمود از جوانان تان از خطر غلات و افراطی ها بترسید. همچنین در بحارالانوار و امالی شیخ طوسی آمده است که امام صادق می فرماید: غلات بدترین خلق خدایند. آنها خدا را کوچک و انسان را خدا می کنند.

امام صادق «ع» می فرماید: نفرین بر کسی که ما را پیامبر بداند و خاتمت را نپذیرد. همچنین می فرمایند: لعنت خدا بر آنها که علی را به ربوبیت و خدایی نسبت دادند. به خدا علی عبد و مطیع خدا بود و افتخارش بندگی است. وای بر نسبت دهندگان دروغ به ما.

شیخ صدوق در اعتقادات می گوید ما غالبان را کافر می دانیم. همچنین در امالی شیخ صدوق از جناب ابوحنیفه نقل شده که غلات و افراطیون شده باعث شدند که مبانی تشیع معتدل کتمان شود.

### « با افراطیون شیعه مرزبندی کنیم

همان مقدار که در برابر نواصب وظیفه مقابله داریم، در برابر غلات و افراطی های شیعه نیز وظیفه مقابله داریم. نمی شود به وهابیون بگوییم تکفیری ها ولی خودمان پیروان سایر مذاهب را تکفیر کنیم! ادبیات تکفیری چه به اسم سنی و چه به اسم شیعه خیانت به دین است. کسی که دیگری را کافر می داند، خودش کافر است. شیعیان باید با تاسی از اهل بیت «ع» در برابر افراطی های شیعه مرزبندی کنند.

چند مرتز باید پررنگ بشود. یکی مرزبندی شیعیان با افراطی های شیعه است و دیگری مرزبندی سنی با وهابی. البته منظور همه وهابی ها نیستند چون بسیاری از مردم عادی وهابی، آگاهی کافی ندارند. باید با آن خط توطئه گر وهابی که انگلستان همزمان با راه انداختن بهائیت در شیعه، در جزیره العرب راه انداخت مرزبندی کرد.

در شیعه هم تکفیری داریم که غیرشیعه را کافر می داند و می گوید که نماز و روزه آنها درست نیست و همگی در جهنم هستند. الان شبکه های ماهواره ای شیعی وجود دارد که مدام به مقدسات اهل سنت توهین می کنند. اینها شیعه نیستند. اگر شیعه علی «ع» هستند باید از ایشان پیروی کنند و

برای توست. خدایا لعن کن کسانی را که به مسیح نسبت خدایی دادند. خدایا نفرین کن کسانی را که همان حرف مسیحی ها درباره مسیح را درباره ما می زنند. خدایا ما بندگان توئیم و پدران ما بنده تو بودند. مرگ ما و نفع و ضرر ما در دست توست. خدایا هرکس که گفته است که ما ربوبیت داریم، ما از آنان بیزاریم. همان طور که عیسی از مسیحیان برائت جست. خدایا ما را مواخذه نکن به خاطر حرف هایی که درباره ما می زنند.

**همان مقدار که در برابر نواصب وظیفه مقابله داریم، در برابر غلات و افراطی های شیعه نیز وظیفه مقابله داریم. نمی شود به وهابیون بگوییم تکفیری ها ولی خودمان پیروان سایر مذاهب را تکفیر کنیم! ادبیات تکفیری چه به اسم سنی و چه به اسم شیعه خیانت به دین است. کسی که دیگری را کافر می داند، خودش کافر است. شیعیان باید با تاسی از اهل بیت «ع» در برابر افراطی های شیعه مرزبندی کنند.**

امام صادق «ع» ابوالخطاب که از غالبان و جاعلان حدیث بود را تکفیر کردند. ابوالخطاب اول نسبت خدایی به امام صادق «ع» داد و بعد به خودش نسبت خدایی داد! از دیگر غالبان که توسط اهل بیت تکفیر شدند می توان به ابن سنان در زمان امام رضا «ع»، اسحاق بصری در عصر امام هادی «ع»، ابن نصیر و یا کسانی که به اسم باطنی گری دست به نفی شریعت می زدند. تکفیر افراطی های شیعه توسط امام حسن عسگری «ع»، امام جواد «ع» و امام باقر «ع» نیز صورت گرفته است.

حضرت علی «ع» در تنها موردی که حکم اعدام مرتد را صادر فرموده، برای علی الهی می بوده است. حضرت امیر از آنان بیزار است و فرمود اگر من در برابر اینها مسامحه می کردم به اسلام خیانت کرده بودم. حضرت امیر «ع» دستور دادند کسانی را که نسبت های غلوآمیز به ایشان می دهند، را بازداشت کرده و با آنان برخورد شود. بعضی از آنان تبعید شدند و بعضی شلاق خوردند.

اهل بیت «ع» فرمودند که فقط به دو دسته می توانید بگویید کافر. غیر از این دو گروه هیچ مسلمانی حق ندارد هیچ مسلمان دیگری را تکفیر کند. یکی ناصبی ها که به رسول خدا «ص» و اهل بیت «ع» و انبیاء توهین و فحاشی می کنند و دوم غلات و افراطیونی که به نام شیعه، اهل بیت «ع» را در حد خدا بالا می برند.

اگر کسی ناصبگیری کند مرتد است. همه علمای اسلام این حکم را تایید کرده اند. از طرف دیگر غالی گری هم ارتداد است. غلات و نواصب نه تنها با شیعه و سنی که با قرآن و عقل هم مشکل دارند. البته اکثر آنان مستضعف فکری هستند و باید هدایت شوند. دشمن از جهل آنان سوء استفاده می کند و می گوید اگر می خواهید بهشتی شوید بیایید سایر مسلمانان را بکشید! روش کار تکفیری ها شبیه خوارج است که البته شبیه اینها را در شیعه هم داریم.

ما در روایات خود فصل هایی داریم تحت عنوان «حول الغلات و رد علیهم». اولین کسانی که غلات شیعه را تکفیر کردند خود اهل بیت «ع» بودند. امام سجاد «ع» می فرماید: آنچه یهود در حق عزیر گفت (عزیر ابن الله) و آنچه مسیحیان در حق مسیح گفتند (مسیح ابن الله)، اگر کسانی در حق ما اهل بیت بگویند، ما از آنها نیستیم و آنها از ما نیستند.

در عیون اخبارالرضا هست که فردی خدمت امام رضا «ع» رسید و گفت که شایعه شده است شما می گویند مردم بندگان ما اهل بیت «ع» هستند. امام رضا «ع» اصلاً جواب آن فرد را ندادند و شروع کردند به نیایش با خداوند. فرمودند خدایا این اولین باری نیست که در حق ما ستم می کنند و چنین نسبت هایی را به ما می دهند. به خدا سوگند هرگز چنین کلمه ای از پدرانم نشنیدم.

در «اعتقادات» شیخ صدوق آمده که امام رضا «ع» فرمود: خدایا اعلام بیزار می کنم از کسانی که چیزهایی را به من نسبت دادند که حق نیست. ما هرگز چنین چیزهایی را در مورد خود نگفته ایم. خدایا خالق تویی و رازق تویی. ایاک نعبد و ایاک نستعین. خدایا ما مخلوقیم و تو خالقی. ربوبیت فقط برای توست. الوهیت فقط



حجت الاسلام والمسلمین مهدی مسائلی

## از اسلام اموی تا اسلام آمریکایی

اسلام علوی پنهان بماند. در پرتوی این فتنه بود که اسلام اموی جریان فکری خاصی به نام عثمانی مذهبیان به وجود آورد و مسلمانان سطحی‌نگر فراوانی را به دور خویش جمع نموده و آنان را در برابر امیرالمؤمنین علی - علیه‌السلام - تحریک نمود.

امروز نیز همه ما شاهد توطئه‌های فرقه‌گرایانه اسلام آمریکایی در میان مسلمانان هستیم. می‌بینیم که بعضی حکومت‌های متحد و دست‌نشانده آمریکا، قدرت و عظمت خویش را در جنگ مذهبی در عراق و سوریه می‌بینند. این حاکمان دنیاپرست برای این که خطر انقلاب‌های مردمی را از خود دور کنند، بر آتش فتنه‌های مذهبی می‌دمند تا حقیقت اسلام را در گرداب این فتنه‌ها پنهان بماند.

نکته مهم دیگر این که امروز از دیدگاه نظام سلطه‌گر غرب، نسخه لیبرال و لائیک بهترین قرائت از اسلام است و با سیاست‌های آن همخوانی کامل دارد. ولی اسلام متحجر، خشن، افراطی و فرقه‌گرای آن نیز اگرچه ممکن است در مواردی با خواسته‌های آنها به تضاد برخیزند، ولی به دلایلی

مهمی ترویج و گسترش آنها برای این نظام‌ها مفید است. زیرا این جریان‌های انحرافی از یک سو به ایجاد تفرقه و دسته بندی بین مسلمانان کمک می‌کنند و حتی جنگ و دشمنی را میان مسلمانان شعله‌ور می‌سازند. و از سوی دیگر این جریان‌ها، اسلام ناب را دشمن اصلی خویش معرفی نموده و در صدد حذف و نابودی آن هستند. از همین رو اگرچه گروهی همچون داعش در ظاهر شعار مبارزه با آمریکا و غرب را نیز مطرح می‌کند، ولی از آن جهت که این گروه اولویت خویش را دشمنی با مسلمانان و اسلام ناب قرار داده است، آمریکا و غرب با کمک‌های پیدا و پنهان خود به این گروه، همواره در تقویت آن کوشیده‌اند. به دیگر سخن جریان جنایت‌گری همچون داعش همچون سگ هاری است که نظام‌های سلطه‌گر به هدف تضعیف امت اسلامی آن را به جان مسلمانان انداخته‌اند.

هرچند ممکن است گاهی این سگ‌ها بر آنها نیز حمله‌ور شود.<sup>۲</sup> در این میان حتی اگر کسی منکر نقش آمریکا در تقویت و گسترش این گروه‌های افراط‌گرا نیز باشد، تردیدی نیست که بعضی از دولت‌های اسلامی همچون عربستان و قطر و ترکیه که متحد و هم‌پیمان آمریکا هستند نقش مستقیمی در تجهیز و هدایت این گروه‌ها دارند و به نوعی اسلام آمریکایی پشت پرده تقویت افراط‌گرایی در میان مسلمانان است.<sup>۴</sup>

در این مسیر تشیع انگلیسی‌صورتی دیگر از همین اسلام‌آمریکایی است. متأسفانه این تشیع نیز به دنبال تبلیغ شکل و صورت خاصی از تشیع است که به تحقق اهداف و سیاست‌های نظام‌های سلطه‌گری همچون انگلیس کمک شایانی می‌کند. زیرا این جریان از یک سو دامن زدن به خصومت و دشمنی میان مسلمانان را اولویت خویش می‌داند. و از دیگر سوی، تشیع اصیل و خط مقاومت اسلامی را مانع خویش در راستای رسیدن به آرمان‌هایش می‌داند، آرمان‌هایی که در فرقه‌گرایی و خشونت مذهبی خلاصه می‌شود.



«من فعلاً مشغول تجهیز پیامبر - صلی الله علیه و آله - هستم»  
در ادامه نیز هنگامی که وی وارد خانه حضرت علی - علیه‌السلام - شد و اشعاری چند در مدح آن حضرت سرود حضرت به طور کنایه به نیت ناپاک او اشاره کرد و فرمود: «تو در پی کاری هستی که ما اهل آن نیستیم».

طبری می‌نویسد: علی او را ملامت کرد و گفت: «تو جز فتنه و آشوب هدف دیگری نداری. تو مدت‌ها بدخواه اسلام بودی. مرا به نصیحت و پند و سوره و پیاده‌تو نیازی نیست.»

ابوسفیان اختلاف مسلمانان را درباره جانشینی پیامبر - صلی الله علیه و آله - به خوبی دریافت و درباره آن چنین ارزیابی کرد: «طوفانی می‌بینم که جز خون چیز دیگری نمی‌تواند آن را خاموش سازد.»<sup>۱</sup>

واقعیت این که اگر هوشیاری اسلام علوی در مقابل این توطئه اسلام اموی نبود، در همان ابتدای اساس اسلام در مخاطره‌ای عظیم قرار می‌گرفت، چنانچه ابی‌الحدید در شرح نهج البلاغه ذیل خطبه ۶۵ نقل می‌کند:

«یکی از فرزندان ابولهب اشعاری مبتنی بر فضیلت و ذی‌حق بودن علی و بر ذم مخالفانش سرود، علی او را از سرودن این‌گونه اشعار که در واقع نوعی تحریک و شعار بود نهی کرد و فرمود: *سلامة الدین احب الینا من غیره؛ یعنی برای ما سلامت اسلام و این که اساس اسلام باقی بماند از هر چیز دیگر محبوبتر و باارزوتر است.*»<sup>۲</sup>

البته این پایان توطئه‌های اسلام اموی در مقابل اتحاد اسلامی و پایه‌ریزی فرقه‌گرایی در میان مسلمانان نبود، پس از خلافت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، نیز هنگامی که اسلام اموی خود را در معرض خطر دید، سلاح زهرآگین تفرقه را نمایان ساخت و پیراهن عثمان را برافراشت، تا به بهانه خون‌خواهی عثمان، فتنه‌ای در جهان اسلام به وجود آمده و در حجاب تعصبات ناآگاهان، حقیقت آن حضرت، چون از نیت او آگاه بود، فرمود:

امروز هنگامی که نام اسلام آمریکایی مطرح می‌شود، عده‌ای آن را عنوانی جدید دانسته و شاید هم آن را نوعی توهیم توطئه از سوی انقلاب اسلامی ایران بدانند. ولی هرچند عنوان اسلام آمریکایی نامی جدید است ولی حقیقتی کهن دارد که در طول تاریخ همه آن را با عنوان اسلام اموی می‌شناخته‌اند. درست است که اسلام اموی روزی به پایان خویش رسید، ولی اهداف ایشان و روش‌های توطئه‌گرانه آنها همچنان باقی است. اسلام اموی، اسلام حاکمان منافق و دنیاپرستی بود که با حذف تعالیم اسلامی از عرصه اجتماع، دین اسلام را تبدیل به مناسکی بی‌محتوا می‌کردند و بدین گونه تسلط شیطانی خویش را بر فرهنگ، اقتصاد، استقلال و... مسلمانان کامل می‌نمودند.

امروز اسلام آمریکایی نیز نه تنها در اهداف با اسلام اموی مطابقت کامل دارد، بلکه روش‌های یکسانی را در این به کار می‌بندد. در این میان یکی از روش‌ها و توطئه‌های پیچیده اسلام اموی برای پیشبرد اهدافش، دامن زدن به اختلافات مذهبی و جنگ فرقه‌ای در میان مسلمانان بود، روشی که هم‌اکنون نیز توسط اسلام آمریکایی دنبال می‌شود.

شاید بیان نمونه‌های تاریخی این موضوع را برای همه ملموس‌تر کند. می‌دانیم که ابوسفیان پایه‌گذار اسلام اموی بود، کسی که پس از ناامیدی از درهم کوبیدن اسلام در عرصه جنگ نظامی، با نفوذ در میان مسلمانان، اضمحلال فرهنگی و اعتقادی آنان را وسیله‌ای برای مقابله و شکست اسلام قرار داد. بنابر گزارش‌های تاریخی او پس از رحلت پیامبر - صلی الله علیه و آله - به منظور ایجاد اختلاف در میان مسلمانان در خانه حضرت علی - علیه‌السلام - راز زد و به او گفت: «دستت را بده تا من با تو بیعت کنم و دست تو را به عنوان خلیفه مسلمانان بفشارم»  
آن حضرت، چون از نیت او آگاه بود، فرمود:

◀ **امروز نیز همه ما شاهد توطئه‌های فرقه‌گرایانه اسلام آمریکایی در میان مسلمانان هستیم. می‌بینیم که بعضی حکومت‌های متحد و دست‌نشانده آمریکا، قدرت و عظمت خویش را در جنگ مذهبی در عراق و سوریه می‌بینند. این حاکمان دنیاپرست برای این که خطر انقلاب‌های مردمی را از خود دور کنند، بر آتش فتنه‌های مذهبی می‌دمند تا حقیقت اسلام را در گرداب این فتنه‌ها پنهان بماند.**



◀ **متأسفانه موضوع تحریف قرآن در گذشته نه چندان دور توسط مرحوم محدث نوری مطرح گردیده و علی‌رغم پیشیمانی ایشان و ردیه‌های فراوان علمای شیعه، تاکنون آسیب‌های ضد تبلیغی فراوانی برای شیعه در پی داشته است. از مرحوم آیت الله مرعشی نجفی نقل شده است که وی از محقق و عالم بزرگ سردار کابلی پرسیده است که چرا استادش میرزا حسین نوری چنین کتابی نوشته و مایه خجالت شیعه و تهاجم معاندین شده است؟**



**نکته مهم و راه گشای  
دیگر پیرامون شناخت و  
معرفی تشیع انگلیسی این که  
میان تعبیر «تشیع انگلیسی» و  
«شبهه انگلیسی» تفاوت  
وجود دارد، به این معنا که  
تشیع انگلیسی به مجموعه  
تفکرات و رفتارهایی می گویند  
که ترویج آنها دشمنان را در  
رسیدن به اهدافشان یاری  
می رساند، اگرچه ممکن است  
افرادی ناخواسته و از روی  
جهل، تعصب، غفلت، جاه  
طلبی و... به ترویج این  
تفکرات و رفتارها بپردازند. اما  
شیعیان انگلیسی مزدورانی  
هستند که نظام سلطه  
مستقیماً آنها را به خدمت  
گرفته اند.**

انگلیس نیست. همان گونه نمی توان گفت عامل  
انتحاری که خود را میان مسلمانان منفجر می کند،  
به صورت مستقیم مزدور و اجبر شده آمریکاست،  
ولی می توان با قاطعیت گفت چنین شخصی مروج  
اسلام آمریکایی بوده و به تحقق اهداف آمریکا کمک  
می کند.<sup>۶</sup>

حاصل سخن این که تشیع انگلیسی نام گروه و یا  
سازمان مذهبی خاصی که مورد حمایت خاص  
انگلیس واقع می شود، نیست؛ بلکه مجموعه ای از  
افکار و رفتارهای انحرافی و افراط گرایی است که در  
هر برهه و زمانی به وسیله گروه و یا جریان خاصی به  
بدنه تشیع تزریق شده است، از همین رو ممکن آن را  
در زمانی با یک نام معرفی کنند و زمانی با نامی دیگر.  
اما با این حال این جریان برخلاف گذشته، دارای  
رهبری فکری و سازمان دهی خاصی بوده و  
برنامه های مشخصی را نیز دنبال می کند و به صورت  
کلی در این مسیر می کوشد تا:

۱. جاذبه های تشیع را به دافعه تبدیل کند و با ارائه  
چهره های متفاوت و زشت از تشیع در منظر جهانیان،  
مانعی در مقابل نفوذ تفکر انقلاب اسلامی ایران به  
وجود آورد.
۲. از درون مذهب به مقابله و ایستادگی در برابر  
اصیل تشیع بپردازد و با این مبارزه درون مذهبی،  
در قدم های شیعیان تزلزل به وجود آورده و آنها را از  
آرمان ها و شعارهای والای تشیع دور سازد.

از آن کتاب نوشته شود، و خودش هر روز نزد میرزای  
نوری می آمد و صفحه ای از روایات در مورد تحریف  
را از وی می گرفت. وقتی کتاب به پایان رسید، دیگر  
او نیامد و از او خبری نشد. این واقعه گذشت تا اینکه  
سردار کابلی می گوید من یک وقتی می خواستم  
مسافرت بکنم به خارج، رفتم به سفارت انگلیس  
در بغداد گذرنامه ام را ویزا کنم، دیدم یک کسی  
چپ چپ به من نگاه می کند بعد آخر کار گفت من  
را می شناسی؟ من فکر کردم یادم نیامد، گفت من  
سید فلان هستم، دیدم همان سیدی است که پیش  
حاجی نوری آمد و الان با ریش تراشیده جزو مامورین  
سفارت است! معلوم شد که این فرد مامور انگلیس  
بوده به صورت سید درآمده و حاجی نوری را تحریک  
کرده که چنین چیزی را گردآوری کند.<sup>۷</sup>

نکته مهم و راه گشای دیگر پیرامون شناخت و  
معرفی تشیع انگلیسی این که میان تعبیر «تشیع  
انگلیسی» و «شبهه انگلیسی» تفاوت وجود دارد،  
به این معنا که تشیع انگلیسی به مجموعه تفکرات  
و رفتارهایی می گویند که ترویج آنها دشمنان را در  
رسیدن به اهدافشان یاری می رساند، اگرچه ممکن  
است افرادی ناخواسته و از روی جهل، تعصب،  
غفلت، جاه طلبی و... به ترویج این تفکرات و رفتارها  
بپردازند. اما شیعیان انگلیسی مزدورانی هستند که  
نظام سلطه مستقیماً آنها را به خدمت گرفته اند تا به  
گسترش و هدایت تشیع انگلیسی بپردازند. از این  
جهت به کار بردن تعبیر ترویج تشیع انگلیسی برای  
جریان و یا گروهی، مسلتم ارتباط مستقیم آنها با

علت آن که این جریان را به عنوان تشیع انگلیسی  
معرفی می شود، نیز بدان خاطر است که طبق شواهد  
و اسناد فراوانی، استعمار پیر انگلیس سال هاست به  
هدایت و گسترش تفکرات و رفتارها در شیعه می  
پردازد و مطالعات فراوانی در این زمینه دارد.<sup>۸</sup> شاید  
بیان یک نمونه تاریخی در این زمینه رهگشا باشد.  
متأسفانه موضوع تحریف قرآن در گذشته نه چندان  
دور توسط مرحوم محدث نوری مطرح گردیده و  
علی رغم پشتیبانی ایشان و ردیه های فراوان علمای  
شیعه، تاکنون آسیب های ضد تبلیغی فراوانی برای  
شیعه در پی داشته است. از مرحوم آیت الله مرعشی  
نجفی نقل شده است که وی از محقق و عالم بزرگ  
سردار کابلی پرسیده است که چرا استادش میرزا  
حسین نوری چنین کتابی نوشته و مایه خجالت شیعه  
و تهاجم معاندین شده است؟

سردار کابلی در پاسخ گریسته و گفته است: من در  
خدمت میرزای نوری به نگارش کتاب مستدرک  
الوسائل کمک می کردم، روزی سید معمم هندی ای  
نزد ما آمد و گفت: اگر خدا اسم علی را در قرآن آورده  
بود دیگر به این شکل حقیقت غصب نمی شد و به این  
شکل خانه نشین نمی شد؟ میرزای نوری در پاسخ  
گفت: نام امام علی علیه السلام در قرآن بوده است  
ولی آن را حذف کرده اند. آن سید هندی به میرزای  
نوری اصرار بسیاری نمود که کتابی نوشته شود در  
نقص قرآن که باعث تسکین قلب های شیعیان شده  
و محبت آنها را به امیرالمؤمنین علیه السلام بیشتر  
کند، و با اصرار خواست که لااقل روزی یک صفحه

#### یا نویس:

مجدد شرکت نفت انگلیس و ایران و سایر شرکت های نفتی غربی در قالب عنوان  
«کنسرسیوم» پس از کودتای ۲۸ مرداد، فعالیت بهائیان دیگری چون امیرعباس  
هویدا صورت می پذیرد. (لویی رابینو، دیپلمات ها و کنسول های ایران و انگلیس،  
ترجمه غلامحسین میرزا صالح، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۵۹)  
۱. آیت الله محمد صادقی تهرانی این داستان را مستقیماً از آیت الله مرعشی نجفی  
شنیده و در کتاب «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه» آورده است. محمد  
صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی،  
۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۲۹ تا ۳۳۰. همچنین این ماجرا را آیت الله منتظری با واسطه  
آیت الله گرامی از آیت الله مرعشی نقل می کند. حسینعلی منتظری، خاطرات،  
ج ۱، بی نا، بی تا، ۱۳۷۹ش، ص ۸۲ تا ۸۳. آیت الله سید موسی زنجانی نیز در کتاب  
جرعه ای از دریا نقل می کند که این داستان را از یکی از علمای معروف در نزد  
پدرشان شنیده اند. البته ایشان سپس با ارائه تحقیقی در رابطه با زمان تألیف کتاب  
فصل الخطاب و ولادت سردار کابلی، این اشکال را در رابطه با این حکایت مطرح  
می کنند که سردار کابلی در زمان تألیف کتاب فصل الخطاب هنوز به دنیا نیامده بودند.  
در نتیجه اگر قصه مذکور صحیح باشد، باید سردار کابلی آن را با واسطه نقل کرده  
باشد و احتمالاً یکی از ناقلان در نقل اشتباه کرده است. سید موسی شبیری زنجانی،  
جرعه ای از دریا، قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۳ش، ج ۳، ص ۳۳۳. البته  
احتمالات دیگری درباره اشتباه ناقل های این داستان نیز وجود دارد، از جمله این که  
شاید سردار کابلی در آن مجلس حضور نداشته و موقوف را از میرزای نوری شنیده است  
و خود میرزا نیز در سفارت عثمانی با آن فرد روبرو شده است.  
جالب این جاست که بدانیم با حمله آمریکا به عراق افراط گرایی در میان اهل سنت و  
شیعه رشد فزاینده ای به خود گرفت، به گونه ای که «مارک فلین» مسئول عالی رتبه  
سابق سرویس اطلاعات آمریکا در خصوص نحوه شکل گیری و به وجود آمدن  
گروه تروریستی داعش و به وجود آمدن گروه های تندرو گفت: «آغاز جنگ آمریکا  
بر ضد عراق و استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی در این جنگ باعث  
شکل گیری نوعی از تندروی سازمان یافته در منطقه شد و همین مسئله بستر لازم  
را برای تولد داعش فراهم کرد.» (خبرگزاری تسنیم به نقل از پایگاه خبری انترسیب،  
شناسه خبر: ۸۰۳۷۲۴، تاریخ خبر: ۲۷ تیر ۱۳۹۴) همچنین دیوید میلیبند، وزیر  
خارجیه پیشین انگلیس در این باره می گوید: «حمله سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق از  
سوی آمریکا و انگلیس باعث پیدایش گروه شبه نظامی تکفیری داعش در این کشور  
شد.» (پایگاه واحد مرکزی خبر صدا و سیما، تاریخ خبر: ۱۳۹۳/۰۵/۲۰) همچنین به  
نقل از منابع رسانه ای انگلیس از جمله روزنامه گاردین آمده است که تونی بلر نخست  
وزیر سابق انگلیس در سخنانی پذیرفت که اقدام مشترک او و جرج بوش در جنگ  
عراق به شکل گیری داعش (ISIS) منجر شده است. (خبرگزاری ایرنا، کد خبر:  
۸۱۸۱۱۰۸۳، تاریخ خبر: ۱۳۹۴/۰۸/۰۳)

۱. شیخ جعفر سبحانی، فروغ ولایت، ص ۱۴۵.
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۱ و بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۵۳.
۳. چنانچه بر اساس اسنادی که توسط ادوارد اسنودن کارمند سابق آژانس امنیت ملی  
آمریکا منتشر شده، رهبر گروه تروریستی داعش برای یک سال زیر نظر آموزش  
نظامی متمرکز موساد قرار داشته است. به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم  
به نقل از به نقل از پایگاه خبری «گلوبال ریسرچ»، «ادوارد اسنودن» کارمند سابق  
آژانس امنیت ملی آمریکا فاش کرد که سازمان های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و  
موساد با همکاری یکدیگر گروه «دولت اسلام عراق و شام [داعش]» را تشکیل  
دادند. اسنودن گفت سرویس های اطلاعاتی سه کشور، با استفاده از استراتژی که از  
آن با نام «لانه زنبور سرخ» یاد می شود، این سازمان تروریستی را تشکیل دادند تا قادر  
باشند تمامی افراط گرایان جهان را در یک جا جمع کنند. اسناد آژانس امنیت ملی  
آمریکا به پیاده سازی اخیر استراتژی «لانه زنبور سرخ»، با تشکیل شعارهای اسلامی  
و مذهبی و با هدف حمایت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی اشاره دارد. بر اساس  
اسنادی که اسنودن منتشر کرده، تنها راه حل برای حمایت و پشتیبانی از کشور  
یهودی، «تشکیل یک دشمن در نزدیکی مرزهای آن است.» بر اساس اسنادی  
که منتشر شده، «ابوبکر البغدادی»، رهبر دولت اسلامی عراق و شام آموزش های  
نظامی متمرکز برای حدود یک سال نزد موساد داشته و در کنار آن نیز دوره های  
الهیات و فن بیان نیز داشته است. (خبرگزاری تسنیم، شناسه خبر: ۴۳۶۱۷۹)
۴. مستندات فراوانی در این باره در خبرگزاری ها منتشر شده است و حتی مقامات  
آمریکایی نیز از نقش متحدان منطقه ای خویش در تجهیز داعش اذعان کرده اند.
۵. چنانچه ارتباط بهائیت با استعمار انگلیس مورد اجماع و توافق غالب مورخان و  
سیاست دانان معاصر است. بهائیان همواره از خط مشی سیاسی انگلیس پیروی  
کرده اند. (خاطرات سیاسی سرآرتور هاردرینگ، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، نشر  
تکامل، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۰۲) همچنین از بهائیت به عنوان بنگاه جاسوسی  
این کشور یاد می کنند. (ر.ک: صفاء الدین تیرانیان، وزیر خاکستری، بازشناسی نقش  
داربوش همایون در حاکمیت پهلوی دوم، مؤسسه مطالعه تاریخ معاصر ایران، تهران،  
۱۳۸۳، ص ۱۱۲) همچنان که روابط سران فرقه بهائیت با انگلیس در طول تاریخ به  
ویژه اعطای لقب «سر» و نشان شوالیه از سوی ملکه انگلستان به عباس افندی  
آشکار می گردد. (ر.ک: مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۲، بی نا، تهران،  
۱۳۶۲، ص ۲۰۱) از جمله مکان هایی که انگلیس اجازه نفوذ به بهائیان اعطا کرده  
است رسانه ها و بنگاه های خبری انگلیسی هم چون بی بی سی می باشد به عنوان  
نمونه حسن موقر بایووزی در خلال سال های ۱۹۰۸ تا ۱۹۸۰ میلادی به عنوان  
اولین مدیر بخش فارسی رادیو لندن مشغول به کار شد. در جریان استعمار نفتی ایران  
و به وجود آمدن شرکت نفت انگلیس و ایران (B.P) چهره های بهایی هم چون فواد  
روحانی، مسعود روحانی و هوشنگ فرخان حضور داشتند. هم چنین بعد از سلطه



## سیره وحدت گرای علمای بزرگ شیعه در مواجهه با استکبار

چنین یاد می کند: «... برادر رشید سلطان عبدالحمید به واسطه ی رأی سدید و تلافی شدید اکید در حمایت اسلام و علماء اعلام با کمال اقتدار و فتوحات بسیار تدارک و انحاء و کسر و انکسار نموده».

او در این رساله، بر لزوم اتحاد بین دو دولت اسلام، یعنی ایران و عثمانی تأکید می ورزد، و اشارات جالبی به ملزومات این اتحاد می نماید: «قانون ملی و مصالح کلی عملی اولی و حسب تکلیف شرعی ملی اسلامی و وجوب عهد و میثاق اتحاد و اتفاق بین هر دو دولت اسلام است در حمایت و تقویت و عقد اخوت و مشورت و مصلحت و دولت و سلطنت از هر جهت، کنفس واحد متحد و اخوان توأمان کالفرقدان لایفترقان در شعار و دثار و مابه الافتخار و اقتدار و انتصار در حرب و محاربه اغیار کفار، چنانچه حق تعالی فرموده: «و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» و معاهده عهد و وثیقه و معاهده عقود اکیده شدیده بر این مودت و اتحاد و نفی بینونیت و انفراد از اهم مهمات و الزام ملزومات و اعظم فواید کلیه و اتم مصالح عزت و اقتدار سلطنت اسلام است از هر جهت. ولی لازمه این اتحاد کلی و وداد نوعی رفع مایه الانفراد جزئی است از اسباب مفسده خلف و نفاق و انفراد و شقاق که منافی با کمال اتحاد و اتفاق است. منها رفع تفتیش و تفحص در گمرکات و بندرات از کتب علمیه و مذاهب مختلفه نیف و سبعین فرقه و رفع ضبط و تجبیر و اتلاف و حرق و غرق کتب علمیه، چرا که تکلیف دولت چنانچه حق تعالی فرموده: «واصلحوا ذات بینکم» اصلاح بین مسلمین است...»<sup>۱</sup>

که حکومت عثمانی هرچه که باشد بر کافران ظالم و استعمارگر غربی شرف دارد. به همین خاطر علمای بزرگی چون آخوند خراسانی، محمد کاظم طباطبایی یزدی، محمد حسین حائری و ... بر وجوب حمایت از عثمانی تأکید کرده و حکم جهاد با استعمارگران اروپایی را صادر کردند.

همچنین میرزا ابوطالب مجتهد زنجانی (متوفی ۱۳۲۹ هـ.ق) که از دیرگاه با سید جمال الدین و اندیشه های او آشنا بود و با او ارتباط داشت، به دعوت سید همراه با برخی دیگر از علما «از بیعت به اتحاد اسلام و خلیفه ی عثمانی دریغ نوزیدند». او با سلطان عبدالحمید عثمانی مکاتبه داشت و وی را خلیفه مسلمین می خواند.

سلطان با مراجع و علمای متنفذی چون ملا محمد فاضل شریانی (متوفی ۱۳۲۲ هـ.ق) که پس از درگذشت میرزای شیرازی، در شمار مراجع بزرگ تقلید محسوب می شد و آقا نجفی در ارتباط بود. «سلطان عثمانی دستور داده بود که شیخ [فاضل شریانی] می تواند هر روز چهل کلمه به رایگان به استانبول تلگراف بفرستد»، و «آقا نجفی، رسماً تلگرافی از شخص سلطان عبدالحمید دریافت کرد مبنی بر اینکه هر وقت به کمک نیاز داشته باشی، سلطان از تو دریغ نخواهد داشت».

سید عبدالحسین مجتهد لاری، عالم متنفذ اصلاح طلب و استعمارستیز، در «رساله قانون مشروطه مشروعه» که در سال ۱۳۲۵ هـ.ق در شیراز طبع شده است، شیوه حکومت عبدالحمید دوم را می ستاید، و از سلطان

### وحدت حتی با وهابی ها در برابر انگلستان!

انقلاب ۱۹۲۰ عراق علیه سلطه جنایتکارانه انگلیس بر عراق. رهبری این جنبش در اختیار میرزای دوم بود و پس از درگذشت او در سوم ذی حجه سال ۱۳۳۸ ق، در اختیار آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی (متوفای هشتم ربیع الاول ۱۳۳۹) قرار گرفت. در میان نامه های مرحوم شیخ الشریعه، سند جالبی هست که وی از تمام فرق اسلامی دعوت می کند تا در کنار هم بر ضد انگلیس وارد میدان شوند. شاید تصور کنید مقصود از «تمام فرقه های اسلامی» اهل سنت و شیعه است، اما بالاتر، مقصود همه گروه هاست، گروه هایی چون «وهابی ها» و «خوارج» هم. او از آنان نیز می خواهد که در کنار صفوف دیگر مسلمانان برای دفاع از حیثیت و هویت اسلامی خود وارد میدان مبارزه شوند.

دعوت از «وهابی ها» برای شرکت در این مبارزات، در سیره یک مرجع بزرگ شیعی، درس بزرگی است، درسی که هیچ گاه نباید فراموش کرد.

(ر.ک: کامل سلمان الجبوری، شیخ الشریعه قیادته فی الثورة العراقیة الکبری ۱۹۲۰ و وثائقه السیاسیة، ص ۱۲۵)

### «حمایت علمای شیعه از حکومت عثمانی در برابر کفار»

حکومت «عثمانی» به هیچ وجه یک حکومت مطلوب اسلامی نبود، مخصوصاً برای شیعیان. اما علمای بزرگ شیعه به خوبی می دانستند



همچنین میرزا ابوطالب مجتهد زنجانی (متوفی ۱۳۲۹ هـ.ق) که از دیرگاه با سید جمال الدین و اندیشه های او آشنا بود و با او ارتباط داشت، به دعوت سید همراه با برخی دیگر از علما «از بیعت به اتحاد اسلام و خلیفه ی عثمانی دریغ نوزیدند». او با سلطان عبدالحمید عثمانی مکاتبه داشت و وی را خلیفه مسلمین می خواند.



## « دفاع جانانه علمای شیعه از مبارزان سنی لیبی »

با گسترش استعمار غرب و چپاول کشورهای مسلمان توسط انگلیس و سایر کشورهای اروپایی، ایتالیا به کشور سنی نشین لیبی حمله کرد. حاکمان ترک عثمانی که بر آن کشور حکومت می کردند، ابتدا در برابر ایتالیایی ها مقاومت کردند اما شورشهای داخلی عثمانی و نیز عدم همکاری کشورهای اروپایی با آنان سبب شد که عثمانی نتواند در برابر ایتالیا مقاومت کند.

علمای شیعه با اینکه در آن زمان سخت گرفتار اتفاقات ایران و انقلاب مشروطه بودند، اما همه عالمان رده اول حوزه های علمیه مانند آخوند خراسانی شیخ عبدالله مازندرانی شیخ

از قوم (سبا) بشوید؟ خدا را خدا را در توحید [وحدت] خدا را خدا را در رسالت خدا را خدا را در حفظ پایه های شرع مبین و ناموس اسلام. پس نیست بعد از توحید مگر گرفتار تثلیث و سه گانه پرستی شدن و نیست بعد از اقرار به محمد(ص) مگر پرستش مسیح و نیست پس از رویکرد به کعبه مگر آویختن صلیب و نیست پس از اذان مگر صدای ناقوس! پس پیشی گیرید در آنچه خداوند بر شما واجب کرده که همانا جهاد در راه خداست. یگانه شوید و از پراکندگی بپرهیزید و هماهنگ باشید. مالهای خویش را ببخشید سلاح خویش را بردارید: «و تا آن جا که می توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود را بترسانید.» مبدا هنگام دفاع سپری شود و

لا یعلی علیه) گردید در این وقت که به حملات ایتالیا بر طرابلس غرب [لیبی] و روس و انگلیس بر ایران مصداق (سبعود غریباً) شده روح اسلام به تشدید روابط اتحاد مسلمانان مترصد اقدامات شخص مقدس را صمیمانه تمنا داریم. خادم مذهب جعفری محمد تقی نجفی و سایر علمای اصفهان.<sup>۳</sup> مرحوم خالصی که از نزدیک در جریان خیزش حوزه نجف بوده و از کمکهای مالی شیعیان و سنیان به مردم لیبی در نبرد با ایتالیا آگاهی داشته کمکهای مالی و جانی شیعیان را از سنیان بیش تر می دانند.<sup>۴</sup>

## « مقابله میرزای شیرازی با توطئه انگلیستان در عراق »



با حضور استعمار انگلیس در عراق، میرزای شیرازی مرجع بزرگ جهان تشیع فعالیت های ضد استعماری خود را شدت بخشید. میرزای شیرازی اختلافهایی را که در اثر توطئه های انگلیس بین شیعه و سنی در عراق به وجود آمده بود و از بین برد و در برابر نیروهای اشغالگر صف واحدی از مسلمانان به وجود آورد.

نیروهای انگلیس که به شدت تحت فشار بودند و برخوردهای تند میرزای شیرازی شرایط را بر آنان سخت تر کرده بود دست به تبلیغات گسترده ای زدند و حرفهای گذشته خویش را بار دیگر پراکندند که: انگلیس قصد بدی نسبت به عراق ندارد و ما برای فتح عراق نیامده ایم ما می خواهیم مردم ستم کشیده عراق را از سلطه ستمگرانه ترکان آزاد سازیم. ما می خواهیم حرم امامان شیعه را از متولیان سنی بگیریم و در اختیار شیعیان قرار دهیم و ...<sup>۵</sup>

انگلیستان به همین منظور سرپرستی کاکس را به عنوان فرماندار عراق منصوب کرد و برای فریب مردم و حفظ ظاهر، بر آن شد که برای وی از مردم رای بگیرد. اما میرزای شیرازی انتخابات را تحریم کرد و اعلام داشت:

«لیس لأحد من المسلمین ان ینتخب ویختار غیر المسلم للأماره والسلطنه علی المسلمین:

هیچ مسلمانی حق ندارد غیرمسلمان را برای حکومت بر مسلمان برگزیند.»<sup>۶</sup> پیش از این نیز ویلسون، فرماندار انگلستان در عراق به کربلا رفته و با میرزا دیدار کرد. در این دیدار با شیطنت و نیرنگ به میرزای شیرازی پیشنهاد کرد: فردی را برای کلیدداری و تولیت سامراء معرفی کند. زیرا کلیددار کنونی سنی است و دولت انگلیس علاقه دار این پُست در دست شیعیان باشد! میرزای شیرازی بدون درنگ در پاسخ وی گفت: «کلیددار سامرا شخص بسیار خوبی است و من با برکناری وی موافق نیستم.»<sup>۷</sup>

## « آیت الله خالصی و کشف نقشه انگلیسیها »

انگلیس بر مبنای سیاست همیشگی خویش، تفرقه بینداز و حکومت کن تصمیم گرفت به اختلاف میان شیعیان و سنیان دامن زند و از این راه یگانگی و برادری آنان را از هم بگسلد و حرکتیهای ضد استعماری آنان را متوقف کند. از این روی نماینده انگلیس در عراق شخصی را به نام محمد حسین کابلی که منشی وی بود به نزد مرحوم خالصی فرستاد و پیغام داد:

«وی (نماینده انگلیس) می خواهد شیعیان را از ظلم و ستم حاکمان ترک نجات دهد و همه کارهای حکومتی را در عراق به شیعیان بسپارد و انتقام آنان را از سنیان خشن که سالهاست حقوق شیعه را پایمال کرده اند بگیرد.»

در همان حال فرد دیگری را نیز به نزد شیخ یوسف سویدی و شیخ احمد داوود و شیخ ابراهیم الراوی از عالمان برجسته اهل سنت عراق فرستاد و آنان را از خطر چیره شدن شیعیان بر عراق و دشمنی آنان با اهل سنت و جماعت پرهیز داد.

او به علمای اهل سنت گفت: «مدارکی در دست دارد که نشان می دهد شیعیان بر آند امور عراق را در دست بگیرند و می خواهند حکومتی شیعی تشکیل دهند و اگر چنین چیزی رخ دهد پیامدهای وحشتناکی برای سنیان بویژه عالمان آنها در پی خواهد داشت.»

آیت الله خالصی که از انگیزه شیطانی انگلیسیها از این گونه تلاشها آگاه بود بی درنگ اطلاعیه ای صادر کرد و اعلام داشت: «انگلیسیان برای رهایی خود و نیز پوشش گذاشتن بر اعمال ضد بشری خود می خواهند بین شیعه و سنی اختلاف بیندازند. شیعیان و علمای شیعه در حوزه های علمیه نجف و کربلا هیچ هدفی جز مبارزه با اشغالگران و استعمارگران انگلیسی و بیرون راندن آنان از کشور ندارد و حاکم مسلمان را هر چند سنی هم باشد می پذیرند.»<sup>۸</sup>



شما غافل بمانید و زمان جهاد بگذرد و سنگین در خانه نشسته باشید: «پس باید آنان که از فرمان او سرپیچی می کنند بترسند که مبدا به آنان فتنه ای یا عذابی درد آور برسد.»

(خادم شریعت مطهره محمد کاظم خراسانی کوچکترین و گنهکار عبدالله مازندرانی گناهکار شیخ الشریعه اصفهانی کمترین علی رفیش اقل خدام شریعت محمد حسین قمشه ای کوچکترین و گنهکار مصطفی الحسینی الکاآشانی امیدوار عفو پروردگارش محمد آل الشیخ صاحب جواهر قدس سره امیدوار عفو پروردگار بخشنده محمد جواد مشکور قدس سره الاحقر جعفر فرزند مرحوم شیخ عبدالحسین قدس سره محمد سعید الحبوبی.)<sup>۲</sup>

شیخ محمد تقی نجفی معروف به آقا نجفی از علمای بزرگ حوزه علمیه اصفهان و گروهی از عالمان نیز تلگرافی به شیخ الاسلام دربار عثمانی مخابره کردند و در آن خواستار جهاد علیه استعمارگران شدند:

«مقام حضرت مستطاب قدسی مآب ریاست روحانیه شیخ الاسلام کل ممالک عثمانی دامت برکاته.

حکم جامعه اسلامی که از صدر اسلام موجب ارتقاء مسلمانان و مصدق (الاسلام یعلوا و

الشریعه اصفهانی و... در کاظمین گردآمدند و پس از گفت وگوهای بسیار فتوایی به این شرح صادر کردند:

از عالمان نجف اشرف به همه مسلمانان یکتاپرست و آنان که در اعتقاد به دین و رسالت حضرت محمد(ص) با ما در پیوندند و هم عقیده.

درود بر شما ای حامیان وحدت و ای مدافعان دین وای نگهبانان اساس اسلام. بر شما پوشیده نیست که جهاد برای دفع تجاوز کافران به سرزمینهای اسلامی و مرزهای آن از اموری است که همه مسلمانان بر آن اتفاق دارند و واجب بودن آن از ضروریات دین است. خدای سبحان فرموده است:

«به جنگ بروید خواه بر شما آسان باشد و خواه دشوار. و در راه خدا با جان و مال خویش جهاد کنید. خیر شما در این است اگر بدانید.»

اینک ایتالیاییهای کافر بر طرابلس غرب که از بزرگ ترین کشورهای اسلامی است هجوم آورده آبادی آن را خراب و بناهای آن را ویران کرده. و مردان وزنان و بچه های آن را کشته است. چه شده که... صدای استغاثه مسلمانان را می شنوید و جواب نمی دهید؟ آیا منتظرید که کافران به مکه معظمه و حرم حضرت رسول و امامان(ع) حمله کنند و دین اسلام را از شرق و غرب عالم براندازند؟ و شما خوارتر

### پا نویسی:

۱. ر.ک: محمدحسین امیرآردوش، تاملی بر مساله وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز، نشر مجمع تقریب مذاهب اسلامی
۲. منبع: (استادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران) محمد ترکمان، ص ۴۸۱ / دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
۳. حکم نافذ آقا نجفی، موسی نجفی، ص ۱۲۴ / انتشارات اسلامی قم.
۴. مجله رساله الاسلام سال ۶ شماره ۱/۵۵.
۵. ر.ک: لمحات اجتماعی من تاریخ العراق الحدیث علی الوردی ج ۱۰/۵.
۶. - العراق بین الماضي والحاضر والمستقبل، تهیه شده توسط مؤسسه الدراسات الإسلامیه، ص ۸۴۷ / مؤسسه الفكر الإسلامی بیروت.
۷. نگاهی به انقلاب اسلامی عراق، ص ۲۶
۸. مجله رساله الاسلام، سال ۶ شماره ۱/۵۷.



گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین احمد شفیعی نیا، مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشگاه مطالعات تقریبی قم

## وحدت به شیوه فقه مقارن

و ۴ مذهب اهل سنت پرداخته است. این همت ایشان، نشان از این دارد که این شخصیت متفکر، تفکر فقه تطبیقی داشته و به امر وحدت زیاد اهمیت می داده است، آن هم وحدت عملی نه یک وحدت صوری یا سیاسی. البته این نگاه تا اندازه ای در دوره های بعد کمرنگ شد و خلأ آن قابل درک بود.

در مرحله سوم که مرحله متأخرین است، علامه حلی چون خورشید می درخشید، به گونه ای که انسان بی اختیار در مقابل ایشان به تواضع واداشته می شود. وقتی به آثار علامه حلی با آن وسعت علمی و در اوج تحقیق مراجعه می کنید، به کتاب ذی قیمت منتهی المطلب یا کتاب تذکره الفقهاء می رسید که بر طبق فقه مقارن نوشته شده است. البته نکته قابل طرح این است که بعد از شیخ طوسی و علامه حلی یک توقف و رکود علمی در جامعه شیعه رخ داده است و تا مدت ها فقها کمتر دست به ابداع علمی زدند و بیشتر در همان فضای فکری شیخ طوسی و علامه حلی حرکت می کردند. با این حال نکته مهم این بود که تا چند صدسال بعد از غیبت امام عصر (عج) فضای اختلاف شکسته شده بود و فقها پیرامون فقه مقارن به راحتی کار علمی می کردند.



### « در طول تاریخ این جریان با افتوخیزهایی مواجه بوده، به نظر شما چه عواملی در این مسیر تأثیرگذار بوده است؟ »

این بحث احتیاج به کنکاش علمی بیشتری دارد، چراکه بررسی تاریخی، دقت های خاص خودش را لازم دارد. اما به صورت یک دورنما می توان یکسری عوامل را در این امر دخیل دانست که برخی از آن ها همچنان ادامه دارد. از جمله آن ها تفاوت در نگاه و رفتار فقهی بین فقهای شیعه و اهل سنت است. به تعبیر دیگر بعد از اینکه علم اصول در میان شیعه رونق پیدا کرد و آن بحث های عمیق استدلالی و عقلی در فضای فقه و تطبیق اجتهادی آن بر فروع رونق گرفت، در فضای اهل سنت این تأملات عقلی و استدلالی در حد کافی وجود نداشته و ندارد. این امر سبب شد تا برخی اختلافات به وجود آید و این ارتباط فراز و نشیب داشته باشد.

وقتی به کتاب خلاف یا تذکره الفقهاء مراجعه می کنید می بینید بنای کتاب بر ذکر فتاوی طرفین است. بحث، بحث استدلالی و استخوان داری بوده است؛ اما بعد از اینکه طرف مقابل از نظر علمی با ما اختلاف سطح پیدا کرد مراجعات به کتب آن ها و بحث و استدلال بر آن مباحث کمتر و کمتر شد.

دلیل دیگر هم به جریان فقهی اهل سنت برمی گردد و همان سبب شد مقداری بی رغبتی در طرف شیعیان ایجاد کند. با بررسی اجمالی می توان دریافت که از قرن سیزدهم به بعد بحث های فقهی و اصولی اهل سنت حالت تقلیدی پیدا کرده و یا به تعبیری آن ها هر حرفی

اشاره: حجت الاسلام والمسلمین احمد شفیعی نیا از اساتید حوزه و دانشگاه است که سال هاست در حوزه فقه مقارن و تطبیقی مشغول تحقیق، پژوهش و تألیف است. شهرت او به امسال، در همایش حمایت علمای اسلام از مقاومت فلسطین، از اثر جدید شفیعی نیا با عنوان «فقه المقاومة دراسة مقارنه» رونمایی شد. همچنین قرار است به زودی کتاب «فقه الاختلاف» که در آن اختلاف فتاوی فقهای مذاهب پنج گانه بررسی شده، چاپ شود.

« در طول تاریخ، مرجعیت اصیل شیعه، علاوه بر اینکه در تعامل اجتماعی اش بر مبنای وحدت عمل می کرده است در مباحث علمی با رویکردی وحدت آمیز برخورد می کرده است. آیا در این خط اصیل مرجعیت شیعه تغییری حاصل شده و این رویه کمرنگ شده است؟ »

اگر خیلی گذرا به تاریخ فقه شیعه نگاه کنید، می توان دوره های فقه و فقهای شیعه را به ۵ مرحله تقسیم کرد و چنین نام گذاری کرد: اقدمین، قداما، متأخرین، متأخر المتأخرین و معاصرین. نکته قابل توجه این است که هرکسی زنده به تراث و آثار گذشتگان خودش است، حال اگر آن تراث، میراث ارزشمند و گران بهای علمی برخاسته از استدلال و عقلانیت باشد، بیشتر واجب التعظیم می شود؛ یعنی در حقیقت این مراجعه به تراث علمی مراجعه به افکار آبا و امهات نیست که قرآن آن را سرزنش کرده، بلکه مراجعه به علم و استدلال است.

نکته مهم و مشترک در تمام طول این میراث علمی رسیده از فقهای شیعه، وجود رگه های فقه مقارن است که دائماً به چشم می خورد. به عنوان مثال، اوج فقهی ما در دوره اقدمین، عالم جلیل القدر شیخ مفید است که همه به علم و معنویت وی اذعان دارند. محل زندگی ایشان در



بعد از شیخ طوسی  
و علامه حلی یک توقف و رکود علمی در جامعه شیعه رخ داده است و تا مدت ها فقها کمتر دست به ابداع علمی زدند و بیشتر در همان فضای فکری شیخ طوسی و علامه حلی حرکت می کردند. با این حال نکته مهم این بود که تا چند صد سال بعد از غیبت امام عصر (عج) فضای اختلاف شکسته شده بود و فقها پیرامون فقه مقارن به راحتی کار علمی می کردند.

در این حوزه داشتند تا قرن سیزده زدند و دیگر تولید علمی نداشتند.

### « آیا منظور شما کم رنگ شدن اجتهاد در اهل تسنن است؟ »

بله اجتهاد در میان اهل سنت آن چنان کم رنگ و بی فروغ شده است. شما در این دهها سال، عموماً کتابهای کپی برداری شده را مشاهده می کنید؛ تا جایی که وقتی دو کتاب فقهی یا تفسیری را مطالعه می کنید، اگر کسی روی جلد کتاب را به شما نشان ندهد، فکر می کنید همان کتاب قبلی را دوباره مطالعه کرده اید.

### « در بین فقهای شیعه چه اتفاقی افتاد؟ »

می توان اذعان کرد که در هر دوره ای علم با چالش های مختلفی روبرو می شود. زمانی که حرف های محکم مطرح شود، حادثه ایجاد می کند و در نتیجه پاسخ های متناسب با خودش به صورت محکم تولید می شود. این خودش ناخود آگاه در فضا انعکاس و ارتعاش ایجاد می کند و اگر حالت رکود علمی صورت گرفت تبادل علمی هم کم می شود.

تبادل علمی را زمانی می توان انجام داد که در طرف مقابل سطح علمی متناسب وجود داشته باشد. این در حالی است که از قرن سیزدهم به بعد، در میان اهل سنت فقهای نامداری در تراز فقهای قبل از آن وجود ندارد.

نکته دیگر و سومین علتی که باعث شد بدنه فقه اهل سنت افت پیدا کند و به تبع آن، رغبت ما را به سمت فقه مقارن کمتر شود، مباحث سیاسی - اجتماعی است. یکی از آن ها، به وجود آمدن امپراتوری عثمانی سپس شکست آن ها به واسطه نفوذ حکومت انگلستان است. همین شکست طبیعتاً زمینه این را فراهم کرد که بسیاری از مردم کشورهای اطراف از بدنه حکومت عثمانی فاصله بگیرند. این حادثه اثرات خود را در مباحث علمی هم بر جای گذاشت.

جهت دیگری هم که امروزه خیلی پررنگ نیست ولی بعضاً دیده می شود، ظاهرگرایی است که بروز و ظهورش در میان اهل سنت در قالب اشعری گری است و در میان شیعیان در قالب اخباریگری است. این عامل نوعی حالت تدافعی و بعضاً انزجار و احتیاط ایجاد می کند که کمتر سراغ اهل سنت برویم؛ چرا که مبادا تأثیرات نامناسبی بر افکار ما بگذارند.

مرحوم استرآبادی که مبتکر یا سردمدار بحث اخباریگری است، بخش قابل توجهی از زندگی اش را در مکه مکرمه به سر برد. حضور ایشان در مکه با نفوذ حنبلی ها همزمان شد. حنبلی ها که ظاهرگرا هستند، در افکار این عالم شیعی اثر گذاشته و سبب شدند که وی همان حرف ها را در قالب اخباریگری مطرح کند و این حرکت دست انداز بزرگی در مسیر حرکت عقلانی علم اصول ایجاد کرد که مرحوم وحید بهبهانی در حدّ توانش آن را از میان برداشت.

### « در مجموع فعالیت های علمی انجام شده با رویکرد تقریبی و مقارن را چگونه ارزیابی می کنید؟ »

الحمد لله امروز در سه دهه ای که متبرک به نام امام خمینی (ره) است حرکت های خوبی صورت

گرفته که این حرکت ها را باید مرزبندی و ارزشیابی کرده و هر سمتی را با خودش ارزش گذاری کنیم. به عنوان مثال از نظر فکری و اعتقادی حرکت های بسیار عالی برای تشکیل امت واحده و وحدت در جهان اسلام شکل گرفته است تا در مقابل دشمن واحد قرار بگیرند. البته در مرحله عمل ما در فضای فقهی می بینیم که سایه ناکامی های سابق هنوز بر سر حوزه های مختلف علم باقی است. افراد محدودی کتاب هایی را می نویسند یا بحث هایی را مطرح می کنند که به مسائل مشترک اهل سنت و شیعیان می پردازد. این کارها به قدری کم است که خیلی در فضای بزرگ حوزه امام صادق علیه السلام چیزی به نظر نمی آید. در حالی که به



عقیده من برای اینکه این سد شکسته شود توجه به چند نکته لازم است.

اولین نکته درک کردن موقعیت خاص و ویژه ای است که جهان اسلام در آن گرفتار شده است. به تعبیر روشن تر نه فقط در حدّ یک استراتژی که ببینیم فردا چه می شود، بلکه در حدّ یک عقیده و التزام شرعی که امروز و فردا نمی شناسد، بر ما واجب است به سراغ اهل سنت برویم. به عبارت دیگر ما می بایست کاری کنیم که در فضای آینده، زمانی که صحبت از فقه می شود، نگوییم فقه شیعه یا فقه فلان مذهب، بلکه همه جهان اسلام، فقط از فقه اسلامی سخن به میان آورند، یعنی در نگاه کلی، در برخورد و تعامل با جهان، ما نباید فقط شیعه را در مقابل جهان فرض کنیم، بلکه باید، اسلام را در مقابل جهان صف آرایی کنیم.

### « مباحث فقه مقارن چگونه باعث افزایش گستره علمی فقهای امامیه می شود؟ »

تقریباً هیچ مجتهدی نیست که اگر بخواهد اجتهاد دقیق و درست انجام بدهد مگر اینکه برای رسیدن به فتاوی دقیق فقهی اش می بایست به فقه مقارن توجه کند. به عنوان مثال در تعارض روایات موافقت یا مخالفت با اهل سنت یکی از مرجحات این باب است. حال اگر ندانی که منظور مخالفت و یا موافقت با کدام اهل سنت است چه گونه می توانی این مرجح را تشخیص دهی؟ یا گاهی فهم بعضی از مفردات و تکواژه های احادیث یا اصطلاحات، نیاز به معنای آن و استعمالش در فقه اهل سنت دارد.

کسی منکر این نیست که زمان و مکان تأثیر قابل توجهی در روند استنباط فقهی دارد. حتی به جرئت می توان گفت که پویایی و تحرک فقه شیعی به لحاظ تأثیر زمان و مکان است. البته نباید این شبهه در ذهن به وجود بیاید که علمای شیعه فقط به خاطر گرفتاری های روزانه خود، یا به خاطر شرایط روز مجبور به مراجعه به فقه اهل سنت شده اند. به تعبیر دیگر نباید حرکت فقه مقارن آن بزرگواران را به حساب یک استراتژی خاص زمانی گذاشت که آن ها مجبور به چنین تاکتیکی بوده اند و پس از مدتی از آن دست کشیدند. شاید تاندازه ای زمان بر تعیین رفتارشان مؤثر بوده ولی تمام علت این نیست.



**اولین نکته درک کردن موقعیت خاص و ویژه ای است که جهان اسلام در آن گرفتار شده است. به تعبیر روشن تر نه فقط در حدّ یک استراتژی که ببینی فردا چه می شود، بلکه در حدّ یک عقیده و التزام شرعی که امروز و فردا نمی شناسد، بر ما واجب است به سراغ اهل سنت برویم. به عبارت دیگر ما می بایست کاری کنیم که در فضای آینده، زمانی که صحبت از فقه می شود، نگوییم فقه شیعه یا فقه فلان مذهب، بلکه همه جهان اسلام، فقط از فقه اسلامی سخن به میان آورند**

دلیل اصلی در ایجاد فقه مقارن، به رویه ایجاد فقه برمی گردد. فقه یعنی اظهار نظر از روی ادله و براهین و اینکه فقیه از طرف خودش حرف نمی زند، بلکه با استناد به قرآن و سنت نبوی و برخی منبع دیگر آن را استخراج می کند. با این وجود وقتی به فقه اهل سنت نگاه می کنیم در منبع اصلی یعنی قرآن و سنت نبوی مشترک هستیم و ریشه فقه همان با هم گره خورده است. در نتیجه ناخود آگاه ما و اهل سنت در قرآن و سنت نبوی اشتراک داریم که همین سبب ایجاد فقه مقارن می شود؛ بنابراین، حرکت ما از روی عقل و دلیل است، نه اینکه برخی خیال می کنند، چون آشوب و فشاری در جریان بوده، فقها مجبور به تعیین چنین استراتژی بوده اند.

به عنوان مثال چطور می توان حدیث موثق را شناسایی کرد؟ در واقع ما درصد قابل توجهی از روایاتی که موثق هستند را سینه به سینه از بعضی از اهل سنت گرفته ایم. پس نشان می دهد، نطفه فقه مقارن آنجا منعقد شده است؛ چرا که آن ها هم در مواردی به همین مسائل دچارند.

### « آیا کسی که رویکرد تقریبی و وحدت گرایانه ندارد باز در نهایت مجبور است وارد این فضا شود و تأثیر بپذیرد؟ »

بله و لذا به همین خاطر است که امام خمینی رضوان الله علیه، این چنین بر وحدت اصرار می کند و این واجب دینی را در ابعاد مختلف به جامعه القاء می کند و نشان می دهد که این یک استراتژی و حرکت یک رهبر سیاسی نیست؛ بلکه یک وظیفه شرعی است.



## خاطراتی از برادرانی ناشناخته

می گویند چه شده است؟ پاسخ می دهند که خون فرزندانم بر زمین ریخته و این خون اوست. اینها را گفت و بغضش ترکید... اندکی گریست و اشکهایش را پاک کرد و آرام گرفت.

می گفت من در اوایل انقلاب برای فروش گوسفند به قم می آمدم و مدتی در آنجا زندگی کردم. هر روز نماز صبح ام را در حرم حضرت معصومه س می خواندم و الان حسرت آن فضا را دارم.

انسان معتدلی بود و تاکید می کرد که من با شیعه نماز می خوانم و هیچ فرقی میان شیعه و سنی نمی گذارم چرا که همه ما اعضای یک امت هستیم و باید سعی کنیم تا توطئه یهود و نصارا برای اختلاف میان خودمان را با محبت خنثی کنیم.

خاطره تلخی هم تعریف کرد: یکبار با تاکسی به جایی می رفتم راننده تمام مدت به اهل سنت توهین کرد. من به روی خودم نیاوردم. آخر کار پول بیشتری به او دادم و گفتم این بخاطر توهین هایت ولی بدان که من سنی هستم و این کارت صحیح نیست.

وقتی فهمید عازم مشهد هستم گفت نیت کرده ام امسال بیایم به زیارت امام رضا علیه السلام و تو حتما من را در آنجا دعا کن. گفت همه اهل سنت توسل را قبول دارند ولی به این معنا که خدا یا به حق اینها کار ما را راه بینداز چون عامل اصلی خداست و اینها آبروداران نزد او هستند.

### « شما را که دیدم خیالم راحت شد

بعد از برگزاری کاروان سرزمین برادری و حضور جمعی از روحانیون در حوزه علمیه اهل سنت زاهدان و دعوت از آنها برای حضور در قم و ایجاد ارتباطات علمی، گروهی از محققان و طلاب اهل سنت زاهدان به قم آمدند تا از مراکز پژوهشی موجود دیدن کنند و تجربیات آنها را الگوی عمل خودشان قرار بدهند. البته می گفتند ما هنوز در ابتدای راه هستیم و به راهنمایی شما نیازمندیم. وقتی به پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی رفتیم و حجم گسترده تحقیقات قرآنی و فلسفی و ... را دیدند یکی شان گفت این

ریسمانی به گردن این گوسفند بود و نه نیاز به هدایت داشت و خود راهش را پیش گرفته بود و می رفت.

### « الحمد لله الذی عرفنی التشیع قبل الشیعة!

شب نهم ربیع پارسال با دو سه تا از بچه های مدرسه تصمیم به مباحثه گرفتیم و بعد از بحث، صحبت از مراسمات کذایی نهم ربیع در برخی نقاط شد. بعضی از بچه ها تغییر مذهب داده و بعد از تشیع برای تحصیل دروس حوزوی به ایران آمده بودند. چون اولین باری بود که نام مراسمات کذایی نهم ربیع را می شنیدند بشدت متعجب شدند که چطور ممکن است چنین مراسمات خلاف شرع و عقلی در میان جامعه شیعی برگزار شود؛ مراسماتی که عامل ریخته شدن خون شیعیان در اقصی نقاط عالم می شوند...

بعد از بحث رو به دوستان تازه شیعه شده ام کردم و گفتم: اگر قبل از شیعه شدن می دانستید چنین مراسماتی در میان قشری از تشیع رواج دارد آیا هیچ گاه فکر شیعه شدن به ذهنتان خطور می کرد؟ به زبان عربی جواب داد: « الحمد لله الذی عرفنی التشیع قبل الشیعة »

سپاس خدایی را که قبل از شیعیان، تشیع را به من شناساند!

### « مگر می شود فرزند پیامبر را دوست نداشت؟

از مراسم ختم بخاری زاهدان برمی گشتم. یک نفر کرد که در این مراسم شرکت کرده بود توی هواپیما کنارم نشست. سر صحبت باز شد. دیدگاههای جالب توجهی داشت. سخن از عقاید اهل سنت شد و بنده خدا تاکید کرد که مگر می شود کسی به دختر و نوه و داماد پیامبر اکرم ص علاقه نداشته باشد؟ بعد هم یادی از امام حسین علیه السلام کرد و در حالی که انتظار نداشتم چنین نقل کرد که پیامبر ص را در خواب دیده اند که در روز عاشورا با کاسه ای بر دست از آسمان به زمین می آید. به ایشان

که دائم در فکر این بودم و دائم دعا می کردم که تا از این دنیا نرفته ام حرم امام حسین را ببینم و به زیارتش بروم. بسیار به امام حسین علاقه دارم. همیشه این آرزو را در خانه تکرار می کردم و می گفتم کاش در عراق جنگ نبود و کاش در عراق صلح می شد و می توانستم به زیارت امام حسین بروم. تا اینکه چند وقت پیش دامادم گفت اگر می خواهی کربلا بروی اسمت را بنویسم. خواست خدا بود که توانستم به زیارت امام حسین بروم. ابتدا به نجف و حرم حضرت علی رفتیم؛ یک شب در نجف بودیم بعد از زیارت حضرت علی پیاده روی به طرف کربلا را شروع کردیم. ۸۰ کیلومتر تا کربلا را پیاده رفتیم. در مسیر مسجدی به نام امام رضا ساخته بودند یک شب در آنجا استراحت کردیم. تعدادی از اهل سنت عراق را هم در طول مسیر دیدیم. آنها هم خیلی خوشحال بودند که اهل سنت ایران نیز در پیاده روی اربعین شرکت



کرده اند. همه خیلی استقبال گرمی از ما داشتند و شیعه و سنی خوشحال بودند از اینکه کاروانی از اهل سنت ایران هم در اربعین شرکت کرده اند. پذیرایی در طول مسیر طوری بود که ما حتی از خانواده خود هم این همه محبت را ندیده بودیم. پیر و جوان همه به سوی حرم حرکت می کردند. برایم بسیار جالب بود که یکی از زائران گوسفندی را نذر کرده بود که با خود به حرم ببرد و در آنجا قربانی کند، اما در طول مسیر راه پیمایی نه

### « شیعه مناجاتی یا قمه ای؟! »

گروهی از مصری ها مهمانمان بودند. برای برخی جلسات به قم رفتیم. برایم عجیب بود که با وجود داشتن گرایشات تقریبی جدی که برآمده از تفکر حسن البناء - رحمه الله - بود درباره شیعه اطلاعات اندکی داشتند. از جلوی حرم که عبور کردیم معرفی به نام خواهر امام رضا - علیه السلام - کافی نبود و لذا به عنوان «اغت علی بن موسی بن جعفر» معرفی کردم چرا که می دانستم جعفر بن محمد الصادق - علیه السلام - برای همگان شناخته شده است.

ظاهراً خیریتی بود که کارهای مان به تاخیر افتاد و زیارت حرم به شب کشید. وارد حرم که شدیم، جمعیت موج می زد و مداح با لحنی بسیار قشنگ در حال خواندن «مناجات شعبانیه» بود. همگی شان را برق گرفته بود. یک به یک به سراغم آمدند و گفتند: این خیلی زیباست! چیست که می خواند؟ توضیح دادم. برخی شان دیگر ابایی نداشتند که به پهنای صورت اشک بریزند. اصراری به رفتن به داخل نداشتم تا نکند برخی سجده ها و رفتارهای نابجا، شبه آفرین شود ولی خودشان اصرار کردند که به زیارت فاطمه المعصومه - علیها السلام - بروند.

یاد آن حدیث امام رضا - علیه السلام - افتادم که : ان الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتبعونا... با خود می گفتم این شیعه، شیعه ای اهل بیتی است یا شیعه ای که آنگونه قمه می زند و سیل خون راه می اندازد؟!

### « دعا می کردم تا از دنیا نرفته ام به زیارت امام حسین برم! »

محمدکریم امامپور، از اهالی اهل سنت استان گلستان است که در کاروان اهل سنت ایران در راهپیمایی عظیم اربعین شرکت کرده است. وی از جمله برگزارکنندگان مراسمات عاشورای حسینی در ترکمن صحرا نیز هست. ایشان در گفتگویی با سایت اخوت از سفر خود اینگونه یاد میکند:

به لطف خدا تا حالا ۶ بار مکه رفته ام و هر سال دوبار به زیارت امام رضا می روم، اما چند سال بود



بعد از بحث رو به  
دوستان تازه شیعه شده  
ام کردم و گفتیم: اگر قبل از  
شیعه شدن می دانستید چنین  
مراسماتی در میان قشری از  
تشیع رواج دارد آیا هیچ گاه  
فکر شیعه شدن به ذهنتان  
خطور می کرد؟ به زبان عربی  
جواب داد: «الحمد لله الذی  
عرفنی التشیع قبل الشیعة»  
سپاس خدایی را که قبل  
از شیعیان، تشیع را به من  
شناساند!

استان سیستان و بلوچستان برای زیارت حضرت رضا علیه السلام در آخرین روزهای ماه صفر به مشهد مقدس شرف یاب شده بودند.

جلسه با تلاوت قرآن کریم شروع شد قاری که یکی از طلاب مدرسه حضرت مهدی بود آیه معروف سوره آل عمران «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» را تلاوت کرد که همین حسن سلیقه باعث شد بعد از اتمام قرائت قرآن کریم از سوی حاضرین در جلسه تشویق شود و سپس حجت الاسلام و المسلمین نظافت که میزبان جلسه بودند ضمن خوشامدگویی به میهمانان در باب محورهای اتحاد بین مسلمین و ضرورت آن مطالبی بیان نمودند. بعد از فرمایشات حاج آقا نوبت به میهمانان رسید و چند نفر از مولوی های حاضر در جلسه به نمایندگی از سایر میهمانان ضمن تشکر از میزبانی مدرسه حضرت مهدی مطالبی را در باب ضرورت برگزاری هر چه بیشتر این جلسات بیان کردند و خوشحالی خود را از اینکه در سایه ی نظام مقدس اسلامی برادران شیعه و سنی می توانند در کمال امنیت و آسایش در کنار هم زندگی کنند، ابراز نمودند. در آخر هم یکی از اقایان مولوی ها برخاست و ضمن قرائت آیه کریمه « قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی» در مورد اهمیت محبت به اهل بیت (ع) و جلوه های محبت اهل سنت به اهل بیت (ع) مطالبی را بیان کرد و گفت که چه طور عده ای از اعضای این جلسه در راهپیمایی عظیم اربعین امسال شرکت کرده اند و در حالی که هنوز خستگی راه را از تن بیرون نکرده بودند سختی مسافرت از سیستان و بلوچستان را به جان خریدند و به زیارت امام رضا ع مشرف شدند. صحبت های این برادر بلوچ به قدری از سر شوق و صفا بود که حال بسیاری از رفقای طلبه و اساتید مدرسه منقلب شده بود. و اثر بیان دلنشین این برادر مولوی را می شد در صحبت های پایانی استاد نظافت مشاهده کرد. در انتهای جلسه هم روحانیون شیعه و سنی در فضایی کاملاً صمیمی و

سنت بودند و هم جوانانی که طلبه نبودند. من هم رفتم و خوش و بش کردم. گفتیم من را هم بازی می دهید؟ برای آنها خیلی جالب بود که یک آخوند شیعه می خواهیم با آنها فوتبال بازی کند. طلبه ها توی یک تیم بودند و بقیه در تیم دیگر. سر اینکه من عضو کدام تیم بشوم دعوا بود! جوانها برای اینکه من را طرف خودشان بکشاند مثلاً می گفتند که اسم من حسین است یا مهدی است و ... برای اینکه به طور ضمنی بگویند ما به شما نزدیک هستیم. طلبه ها هم همینطور. من گفتیم که من طلبه ام و باید عضو تیم طلبه ها باشم. داخل بازی هم برای اینکه من را تحویل بگیرند، مدام به من پاس می دادند. آخرش هم یک شوت خیلی محکم و اساسی زدم. وقتی که توپ را آوردند، دیدم دارند می خندند. چون توپ پنجر که نه، کاملاً پاره شده بود! و این دستمایه ای شد برای خنده و شوخی. بازی شان را خراب کردم ولی باب شوخی باز شد. صمیمیت زیادی ایجاد شد. اما بعدها دو توپ برای آنها خریدم. البته بعضی از مولوی ها هم نمی توانستند این را تحلیل کنند که چرا یک آخوند شیعه آمده با ما فوتبال بازی می کند و اینقدر با ما گرم می گیرد. لذا برخورد خیلی گرمی نداشتند. اما با اکثرشان رفیق شدم.

خلاصه خیلی ما را تحویل گرفتند. من هم غصه خوردم از اینکه وقتی می شود با کوچکترین کارها، نزدیکی و اخوت و همدلی را بین خودمان ایجاد کنیم، چرا از این کار دریغ می کنیم؟

### « راننده بلوچ

رفته بودیم زاهدان برای تبلیغ. قبل از رفتن، طوری برای مان از زاهدان گفته بودند که ذهنیت خاصی داشتیم از مردم اهل سنت زاهدان. یک روز، می خواستم به جلسه ای بروم و عجله داشتم. ماشین گیر نمی آمد. خیلی دیر شده بود. تا اینکه ماشینی نگه داشت. راننده لباس بلوچی داشت. با اندکی نگرانی سوار شدم.



برادرانه بر سر یک سفره نشستند و خداوند را بابت نعمت اخوت و برادری شکر گفتند. بعد از این جلسه وقتی با بعضی از دوستان روحانی مدرسه حضرت مهدی عج صحبت می کردم همه به اتفاق بابت اثرات مثبت این جلسه ی با برکت که موجب شده بود بدور از شنیده ها و بعضی حرفهای غرض ورزانه با برادران اهل سنت آشنا شوند، ابراز شادمانی می کردند.

به مقصد که رسیدم به هیچ عنوان پول نمی گرفت. می گفت شما میهمان شهر ما هستید، مگر می شود از مهمان پول بگیرم.

### « مدرسه حضرت مهدی (عج)

چندی پیش اتفاق خوبی در مدرسه علمیه حضرت مهدی (عج) به وقوع پیوست. طلاب و اساتید این مدرسه میزبان برادران اهل سنتشان بودند که از

کار شما بنظر من مصداق جهاد علمی است. من فکر می کردم در مقابل مستشرقان اقدامات خوبی صورت نگرفته است ولی حالا خیالم راحت شد چون دیدم جای خالی آنچه من تصور می کردم پر شده است.

مسوول گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه چنان مودبانه و علمی سخن گفت که همه گروه را جذب خود کرد و چند بار از من پرسیدند آیا می شود ایشان را به زاهدان دعوت کنیم تا در حوزه مکی برای ما کلاس بگذارند؟

معاون پژوهش دارالعلوم مکی هم تاکید کرد که اختلافات تاریخی بوده و هست و خواهد بود ولی ما باید به اسلام عزیز فکر کنیم و با هم در مقابل دشمن همکاری کنیم و ما امیدیم تا با ارتباط نزدیک و صمیمانه، بدبینی ها را برطرف کنیم.

به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قم که رفتم یکی از اساتید اهل سنت که حجم کارهای آموزشی و پژوهشی را دید گفت سعی کنید جلوی انحرافی که غربی ها می خواهند در افکار اسلامی ایجاد کنند را بگیرید و نقدهایی بر روایت های غلطی که آنها از اسلام در دایره المعارف های خود کرده اند بنویسید.

برایم جالب بود که وقتی روش علمی و موضوع مشترک و جهت تقویت اسلام است چطور دغدغه ها و دلها به هم نزدیک می شود و اینچنین همدلی بالا می گیرد و حسرت خوردم که چرا عده ای فقط به روش تقابل و مناظره و در موضوعات اختلافی و برای نفی و طرد طرف مقابل می اندیشند.

با اینکه ما از این مرکز به آن مرکز سوار ماشین های شخصی این دوستان بودیم ولی برخی موتورسوارها که یکی شان هم در کسوت روحانی بود وقتی اینها را از لباس و چهره شان شناختند کلماتی ناروا نثار کردند! در عجب ماندم که چطور روایات اهل بیت علیهم السلام تعبیر می شود که آنگونه به مخاطبان خود خطاب و عتاب می کردند که: کونوا لنا زیناً و لا تکنوا علینا شیناً!

البته انصاف این است که چند روحانی بسیار مودب هم چه در خیابان و چه در این مراکز وقتی این جمع را دیدند به میان شان آمدند و با آنها خوش و بش مودبانه داشتند. یک روحانی مودب جلو آمد و خیلی گرم با همه دست داد و گفت من سالها در جنوب کشور میان اهل سنت بودم و خاطرات خوبی از شما عزیزان دارم.

### « فوتبال تقریبی!

به یک منطقه در جنوب کرمان برای تبلیغ رفته بودم که اکثریت آن منطقه اهل سنت بودند. حوزه های علمیه برادران اهل سنت در آن منطقه خیلی قوی و فعال بود.

در منطقه می گشتم. یک طلبه جوانی را دیدم که داشت مولودی خوانی گوش می داد. مولودی در مدح همسران پیامبر بود. وقتی من را دید برای اینکه بگوید ما هم با شما هماهنگ هستیم و دیدگاه هایمان نزدیک است، گفت جلوتر درباره حضرت زهرا هم می خواند. من گفتم همان هم خوب بود. بالاخره درباره همسر پدر بزرگ ما میخواند دیگر! همین باعث شد با هم رفیق شویم. کمی آن طرف تر در یک زمین خاکی عده ای فوتبال بازی می کنند. هم از طلبه های اهل

## پدر شهید مدافع حرم اهل سنت:

# داعشی ها ضد اسلامند، شیعه و سنی ندارد

رفتیم و مزار بی بی زینب (سلام الله علیها) را زیارت کردیم. این زیارت قسمت هرکسی نمی شود. ما اولاد رسول الله (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت ایشان را دوست داریم. در راه اسلام جهاد کردیم و هدف دیگری نداشتیم.

### « همزمان شما چه کسانی بودند؟ »

همزمان ما دوستان اهل سنتمان بودند که با هم اعزام شده بودیم. علاوه بر آن رزمندگان شیعه نیز در کنار ما بودند و باهم در خط مقدم می جنگیدیم. شیعیان افغانستانی، عراقی و سوری در کنارمان بودند.

### « رفتار رزمندگان شیعه در مواجهه با شما چگونه بود؟ »

این اولین بار در ماجرای سوریه است که آنها کنار اهل سنت ایران مقابل داعش ایستاده اند. همه با هم عملیات می کردیم. شیعه و سنی برادر و متحدیم و مقابل داعش می جنگیم. فتوحاتی هم داشتیم تا اینکه به کمین داعش خوردیم. داعش ضد اسلام است، شیعه و سنی ندارد.

### « همزمانتان می دانستند که شما اهل سنت هستید؟ نپرسیدند که اینجا چکار می کنید؟ »

بله می دانستند. ما برای جهاد در راه اسلام رفتیم. داعش به سنی و شیعه رحم نمی کند. همزمان شیعه از حضورمان خوشحال شدند و تکریمان کردند.

### « چه شد که تصمیم گرفتید به سوریه بروید؟ »

در جمع دوستان به ما گفتند: می خواهیم به سوریه برویم، شما هم می آید؟ ما هم گفتیم: جانمان فدای اسلام. حاضریم جانمان را برای اسلام قربانی کنیم. ما جهاد می کنیم.

### « هیچ شک و شبهه ای نسبت به ماجرای سوریه نداشتید؟ برخی می گویند که آنجا جنگ مسلمان کشی است. »

برخی گفتند داعشی ها اهل سنتند و نباید با آنها جنگید اما آنها مسلمان نیستند. ما آنجا بودیم و دیدیم. مسلمان ماشه اسلحه اش را در دهان کودک شش ساله نمی چکاند. آنجا وطن سوری هاست اما چرا سر آنها در وطنشان بریده می شود؟ چرا فرزندان و ناموس سوری ها آنجا به حراج گذاشته می شوند؟ جبهه مقابل ما در سوریه هیچ مسلمانی نداشت. این را مطمئن هستیم. ما تا پیروزی دست از جهاد نمی کشیم.

خانواده و فرزندانم هنوز حال خوبی ندارند. من مشتاق جهاد اما آنها می گویند که پسر بزرگمان شهید شده و بعد از من کسی را ندارند. فعلا باید کنار خانواده باشم اما دست از جهاد نمی کشم.



اسلام شهید شود.

### « از سلمان برایمان بگویید. چند سالش بود؟ چه کار می کرد؟ »

سلمان ۲۲ ساله بود. در بندرعباس و شیراز و شهرهای دیگر کارگری می کرد و کمک خرج خانواده بود. به او گفتم: «تو بمان و کنار خانواده باش، من می روم»، اما سلمان می گفت: «من جوانم و از تو زرنگ تر هستم، تو بمان پیرمرد!». قبول نکرد. می خواست او هم رزمنده اسلام باشد. بالاخره باهم رفتیم. ما یک نگاه مشترک به این حضور داشتیم: اگر در جنگ بر دشمن غلبه کنیم که پیروزیم و اگر شهید شویم باز هم پیروزیم.

### « چه شد که به سوریه رفتید؟ »

در شهرداری پنت مشغول به کار بودم که متوجه



شدم می شود گروهی داوطلبانه برای دفاع از اسلام به سوریه می روند. از شهرداری استعفا داده و به عشق اسلام وارد دسته های رزمندگان شدم.

از بخش پنت به فتوح و از آنجا به زاهدان رفتیم و پس از آن راهی سوریه شدیم. ابتدا به دمشق

«بصیرت» برای او که در غبارآلوده ترین فضای رسانه ای محاصره شده بود، بزرگترین شاخص باشد که عمق فتنه را شناخته و بی تفاوت به همه قضاوت های عامی برای حضانت از حقیقت اسلام جان خود را فدا می کند. پرداخت به او و بررسی پدیده یک قهرمان اهل سنت با نام «شهید سلمان برجسته» به ظرفیتی بسیار بسیار فراتر از این امکان مختصر نیاز دارد.

### « اکنون گفت و گو با رسول برجسته پدر شهید سلمان برجسته را در ادامه می خوانید: »

چند فرزند دارید؟ بعد از شهادت سلمان حالا فقط یک پسر هفت ساله و چهار دختر دارم.



### « سلمان ازدواج کرده بود؟ »

نه هنوز، او مجرد بود. دنبال این بودیم که مقدمات ازدواجش را فراهم کنیم. فرماندهان در محور عملیاتی سوریه وقتی فهمید سلمان مجرد است، به او گفت که ان شاء الله برگردد و ازدواج کند. قسمت اینطور بود که او در راه

چندی قبل بود که پیکر دو شهید اهل سنت مدافع اسلام ناب محمدی (ص) در شهرستان نیکشهر استان سیستان و بلوچستان تشییع شد. این شهدا اولین نفرات از جمع رزمندگان اهل سنت بودند که در سوریه به شهادت رسیدند. سلمان برجسته یکی از شهدای گروه مقتدر «نبویون» بود. نبویون از رزمندگان اهل سنت تشکیل شده که برای دفاع از اسلام ناب محمدی (ص) اعزام سوریه شده اند.

درست در روزهایی که پیکر پاک شهیدان مدافع حرم در ایران، عراق، لبنان، سوریه، فلسطین و ... تشییع می شود، حضور گروه دیگری از رزمندگان مقاومت رنگ دیگری به جبهه نبرد داده است. اگر روزی «شیخ صباح» گروهی از رزمندگان اهل سنت و قبائل عراق را سر خط کرده و به مبارزه با داعش پرداخته است، امروز گروهی از شیرمردان اهل سنت، «نبویون» را به صورت داوطلبانه برای دفاع از اسلام تشکیل داده و شانه به شانه رزمندگان شیعه در برابر داعش متحد شده اند.

سلمان یکی از آنهاست. همراه پدرش رسول برجسته کسب و کارشان را رها می کنند و راهی سوریه می شوند. او فقط چند متر با پدرش در خط مقدم جبهه مقاومت فاصله داشته و وقتی ترکش خمپاره به او می خورد، پدر به سرعت خودش را به بالین او پسر می رساند. سلمان نمونه ای ناب از جوانی است که در روزگاری که کسی را یارا، جسارت و شهامت مقاومت در برابر تکفیری ها نیست، سرزمین خود را رها می کند و برای دفاع از اسلام به سرزمین دیگری می رود. هر چه قدر فتنه ها و بلاها عجیب تر شده است، تراز قهرمانان عصر جدید هم ارتقا یافته است. سلمان نمونه ای عجیب از یک جوان مسلمان اهل سنت است که آرمان گرایی اش چنان او ج گرفته که از تمام نمونه های قبل از خود پیشی گرفته و هیچ فکر و تحلیلی به راحتی توان درک و هضم انگیزه او برای عزیمت به میدان نبردی که شهره به چیز دیگری بوده است را ندارد. شاید

قربانی داده‌ام و پیش خدا سر بلندم. شهید زنده است. خدا در قرآن می‌گوید که: «ولا تحسبن الذين قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»

### « عده‌ای می‌گویند که برخی بخاطر پول به سوریه می‌روند. این درست است؟ »

سلمان چقدر می‌ارزد؟ او را چقدر باید بفروشم تا بتوانم جواب مادرش را بدهم؟ عزیزجان! من بخاطر پول نفتم. برای اسلام رفتم. حتی کارم را در بنت رها کردم و رفتم. اینجا پول داشتم، چه نیازی به پول دیگر داشتم؟ بگذارید شایعه کنند که بخاطر پول رفته‌ایم اما ما برای پیروزی اسلام رفتیم. الله بالای سر ماست و همه چیز را می‌داند. ما برای جهاد و شهادت رفتیم و حالا سلمان را فدا کرده‌ایم. پول و روزی را خدا می‌رساند.

### « به جوانان دیگر شهر هم توصیه می‌کنید که در این جهاد همراهتان باشند؟ »

بله به آنها هم می‌گویم. جای همه ما زیر زمین است و چه چیزی بالاتر از شهادت است؟  
منبع: خبرگزاری تسنیم



مثلا در یک سانحه تصادف کشته می‌شدند. اجل، کاری به انتخاب ما آدم‌ها ندارد. قسمت و مقدر آدم‌ها کاری به این چیزها ندارد. از اول انقلاب رزمنده و جانفدا بودم و از همان موقع خودم را برای شهادت آماده کرده‌ام. آن روزها توفیق نشد و حالا بعد از سال‌ها دوباره این فرصت پیش آمده تا در میدان حق و باطل برای اسلام بجنگم. این جهاد تا پیروزی ادامه دارد. من از شهادت سلمان ناراحت نیستم. خدا قسمت همه‌مان کند تا اینطور بشهادت برسیم. گریه نمی‌کنم. پسر شهید شده و جایش در بهشت است. چرا باید گریه کنم؟ برای اسلام خوشحالم. بقیه نیز همین نگاه را دارند. ما از مرگ نمی‌ترسیم. موقع ثبت‌نام این حرف را به سایر جوانان گفتم که اگر نیاید باز من می‌روم.  
من رزمنده دوران دفاع مقدس هستم. آن موقع هم کسانی بودند که جوانانشان را در خانه پنهان می‌کردند تا نکند به منطقه اعزام شوند و تیر و ترکشی به آنها بخورد. همان سالها می‌دیدیم که مثلا پنج سال از جنگ گذشته بود اما هنوز آن جوان گوشه خانه پنهان شده بود. جوان‌های مردم در منطقه عملیاتی می‌جنگیدند اما ناگهان می‌دیدیم که جوان‌های خانه نشین

### « حضور شما به عنوان رزمندگان ایرانی اهل سنت در سوریه یک اتفاق تازه و تقریباً باورنکردنی است. نزدیکان، بستگان و دوستان اهل سنت شما چه واکنشی نسبت به این انتخابات داشتند؟ »

مولوی‌ها و برادران اهل سنتمان از این اقدام حمایت کردند. این روزها مولوی‌های اهل سنت با من تماس می‌گیرند و می‌گویند: «سلمان شهید اسلام است. پسر در بهشت است». من از حضور در این جهاد ناراضی نیستم و

## «جان شیعه، اهل سنت»، عاشقانه‌ای برای مسلمانان

صدایش و حتی حس حضورش مایه ی آرامش وجودم باشد و حالا رویای آرزویم تعبیر شده و او آمده بود. همانگونه که من می‌خواستم، ولی اینجای تقدیر را نخوانده بودم که آرزویم با یک جوان شیعه در حقیقت نقش ببندد و این همان چیزی بود که زبانم را بند آورده و نفسم را به شماره انداخته بود.

\* نگاهم را به افق شناور روی دریا دوختم و مثل اینکه آینده را در آینه آب ببینم، با لحنی لبریز ایمان و یقین پیش بینی کردم: «عبدالله! من مطمئنم که این اتفاق می‌افتد! میدونم که خدا به هر دو مون کمک میکنه تا بتونیم راه سعادت رو طی کنیم.»  
با صدایی که حالا بیشتر رنگ شک و تردید گرفته بود تا نصیحت و خیرخواهی، پرسید: «الهی، تو میخوای چه کار کنی؟»

\* از این همه سخاوت خیالش به خنده افتادم و گفتم:

«ای کاش هر چی دلت میخواست برات اتفاق می‌افتاد! با حلوا حلوا که دهن شیرین نمیشه.»  
از پاسخ زندانه ام خندیدم و گفتم: «حالا تو بگو، شاید خدا هم اراده کرد و شد.»  
نفس عمیقی کشیدم و او با شیطنت پرسید: «الهی! الان چه آرزویی داری؟»

بی آنکه از پرسش ناگهانی اش پای دلم بلرزد، با متانت پاسخ دادم: «دوست دارم آرزوهایم تو دلم باشد.»

و این سخن امام راحل ماست که خطاب به عزیزان اهل تسنن فرمودند:  
«ما با هم برادر بوده و هستیم و خواهیم بود. مصلحت ما، مصلحت شماست»  
و حالا ما به پیروی از عقل و شرع و به اقتدای عشق و ایمان، تا پای جان اهل وحدتیم.

\*علاقه مندان می‌توانند کتاب رمان «جان شیعه، اهل سنت: عاشقانه‌ای برای مسلمانان» را از سایت پایگاه علمی فرهنگی سدید دانلود کنند.

### « برش‌هایی از کتاب: »

\* من از روزی که او به این خانه قدم گذاشت، پای دلم را در ساحل نمناک احساسش به آب زدم و تا امروز بارها در برابر امواج سهمگین احساسی مبهم، مقاومت کرده بودم تا عنان دلم را به دست شیطان ندهم!  
بارها ندای نگاهش تا پشت خانه قلبم آمد و من برای رضای خدا، درهای خانه را بستم!

\* حق داشتم این کوله بار سنگین احساس را که تا امروز روی شانه‌های نحیف دلم تحمل کرده بودم، اینجا و در آغوش بی نظیر مادرم بر دامنش بگذارم! هر چند حالا بار سنگین تری بر دلم نشسته و آن هم نگرانی از سرنوشتی بود که میخواست با مردی شیعه پیوند پیدا کند.

\* سالها بود که منتظر آمدن چنین روزی بودم تا کسی به طلم بیاید که دیدن صورتش، شنیدن

باشد. ولی لازم به ذکر است که نام کتاب از پیام آیت الله سیستانی گرفته شده است که برای نخستین همایش علمای شیعه و سنی در عراق فرستاده شده بود.  
آیت‌الله سیستانی در آن پیام اینچنین میفرماید: اینگونه مجالس و دیدارها مهم و مفید است چراکه سنی و شیعه می‌فهمند که اختلاف حقیقی بین آنها وجود ندارد و نقاط اختلاف تنها در مباحث فقهی است. شیعیان باید از حقوق اجتماعی و سیاسی اهل سنت قبل از حقوق خود دفاع کنند و گفتمان ما دعوت به وحدت است.  
همانگونه که قبلا هم گفته‌ام می‌گویم نگوید «برادران ما اهل سنت»، بلکه بگوید «جان ما اهل سنت» و من به خطابه ائمه جمعه اهل سنت بیش از خطبای شیعه گوش می‌دهم و ما بین عرب و کرد تفاوتی قائل نیستیم و اسلام همه ما را جمع کرده است.

### « نگارنده در مقدمه کتاب آورده است: »

در نهایت شوق و شرمندگی، این اثر را تقدیم می‌کنم به ساحت نورانی پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و به تمامی نور چشمانم از عزیزان اهل تسنن و تشیع که کلام بی همتای خداوند متعال به ما فرمان داده است:  
«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»  
و پیامبر رحمت و سرور این امت فرموده اند:  
«مؤمنان با هم برادرند و خون شان برابر است و در برابر دشمن، متحد و یکپارچه اند»



رمان «جان شیعه، اهل سنت: عاشقانه‌ای برای مسلمانان» به قلم خانم فاطمه ولی‌نژاد منتشر شد.

این اثر با رویکرد وحدت شیعه و سنی و به منظور استفاده تمام اقشار جامعه، از چاپ اول به صورت رایگان در فضای مجازی توسط انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و به اهتمام مؤسسه علمی- فرهنگی سدید منتشر شده است.

این رمان ۶۰۰ صفحه‌ای، روایت زندگی یک زوج مسلمان است که برای رسیدن به آرمان‌های خود، زندگی زیبایی را شکل می‌دهند. شاید در نگاه اول، نام این کتاب برایمان عجیب



# ان هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم فاعبدون

انبیاء-۹۲-



رسم برادری، ویژه نامه هفته وحدت - دی ماه ۱۳۹۴

. صاحب امتیاز: فرهنگسرای قرآن و عترت سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد

. دبیر ویژه نامه: احسان جلاپور

. همکاران: مهدی شانديزی- مهدی محمدآبادی- احمد قوی- حامد رضایی

. صفحه آرا: محمد محمدی